

رفیق یوری آندریف درگذشت



چنانکه، تاس، خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی گزارش داد، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیأت رئیسه شورای عالی و شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با اندوهی ژرف، حزب و تمام مردم اتحاد شوروی را از خبر مرگ یوری ولادیمیرویچ آندریف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی که در تاریخ ۹ فوریه ۱۹۸۴، ساعت شانزده و پنجاه دقیقه به وقت مسکو پس از یک بیماری طولانی اتفاق افتاد، آگاه ساختند.

نام یوری ولادیمیرویچ آندریف، شخصیت برجسته حزب کمونیست و کشورش را، مبارز پیگیر و ثابت قدم آرمان های کمونیسم و صلح برای همیشه در قلب مردم شوروی و تمام بشریت مترقی باقی خواهد ماند.

یوری ولادیمیرویچ آندریف در ۱۵ ژوئن ۱۹۱۴ در خانواده یک کارگزار آهنی ایستگاه ناکوتسک یا - منطقه استاروپول متولد شد.

بقیه در صفحه ۳

راه توده

تشریح و تحلیل حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۲۸ بهمن ۱۳۶۲ مطابق
۱۷ فوریه ۱۹۸۴
سال دوم شماره ۸۵
پهنا: ۴۰ سانتی

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

مسامحت آمیز بین دول مقامت سرسختانه و قاطعانه در مقابل هر گونه دسائس امپریالیسم تجاویز کار در مرکز فعالیت ثمر بخش رفیق آندریف قسار داشت. بشریت قدرشناس هیچگاه این خدمت عظیم وی را به مردم سراسر جهان فراموش نخواهد کرد.

رفیق آندریف، به مشاسبه یک انقلابی انتر-ناسیونالیست و پرشور که سراسر زندگی ثمر بخش خود را وقف سعادت توده های زحمتکش، آزادی خلق های در بند امپریالیسم و پیروزی آرمانهای جهانشمول کمونیسم نموده است، برای همیشه در خاطره میهن دوستان ایرانی - مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باقی خواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، درگذشت یوری ولادیمیرویچ آندریف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، انقلابی برجسته و شخصیت بزرگ نهضت بین المللی کمونیستی و کارگری را به شما و همه مردم شوروی تسلیت می گوید.

رفیق یوری ولادیمیرویچ آندریف، مبارز پیگیر و خستگی ناپذیر علیه جور و ستم سرمایه و در راه پیروزی سوسیالیسم بود. طرق حل مسائل حاد سوسیالیسم رشد یافته و ساختمان جامعه کمونیستی با نام وی پیوند ناگسستنی دارد. دفاع از صلح و امنیت خلق ها و برطرف ساختن خطر فزاینده جنگ هسته ای جهانگیر، همکاری و همزیستی

کنستانتین چرنکوف به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزیده شد



کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی روز دوشنبه گذشته تشکیل جلسه داد. این جلسه را کنستانتین چرنکوف، عضو هیأت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی افتتاح کرد.

شرکت کنندگان در این اجلاس فوق العاده با یک دقیقه سکوت، خاطره یوری آندریف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی را گرامی داشتند. در اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی، خاطر نشان شد که با درگذشت یوری آندریف، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و تمام خلق شوروی ضایعه دردناکی را متحمل شده اند.

شخصیت برجسته حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، میهن دوست واقعی، لنینیست و مبارز پیگیر و خستگی ناپذیر صلح و کمونیسم در گذشته است.

بقیه در صفحه ۳

به آدمکشی پایان دهید! مردم صلح می خواهند!

حکام شوروی نوس طلا، و کشتار مردم بیگناه هم کار نیست
سیاسی و نظامی محاب خواهند داد!

در صفحات بعد

نامه دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

صفحه ۴

ضمیمه "راه توده"

گزارش به پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران

هدف یورش سبانه به حزب توده ایران

صفحه ۸

به آدمکشی پایان دهید!

مردم صلح می خواهند!

● جنگ افروزی توسعه طلبانه و کشتار مردم بیگناه هم حاکمیت ج.ا.ا را زین بست سیاسی و نظامی نجات نخواهد داد!

هفته گذشته به دنبال جنجال تبلیغاتی سران ج.ا.ا در باره "یکسره کردن کار جنگ" سرانجام جنگ خانمانسوز ایران و عراق وارد مرحله تازه‌ای شد. حکومت عراق به بهانه پیش گیری از حمله نظامی ایران، بار دیگر شهرهای بی دفاع کشور ما را بمباران کرد. سران ج.ا.ا نیز به تهدیدهای اخیر خود جامعه عمل پیشاندند و مردم بیگناه شهرهای مرزی عراق را آماج گلوله باران توپخانه‌های خود قرار دادند. رئیس جمهور خامنه‌ای تهدید کرد که ایران، نه تنها شهرهای مرزی، بلکه دیگر شهرهای عراق، از جمله بغداد را نیز بمباران خواهد کرد.

تحولات اخیر را از زوایای مختلف می‌توان بررسی کرد. تأسف آنراست که رهبران ج.ا.ا سربازان و رزمندگان شرافتمند ایران را وادار ساختند برای نخستین بار در تاریخ سه سال و چند ماهه جنگ، دست خود را به خون زنان و کودکان و پیرمردان ملت برادر عراق بیالایند. صدها کیلومتر مرز مشترک دو کشور، اینک از دو سو صحنه آدم کشی سفاکانه‌ایست که قلب هراسان آزادان را به درد می‌آورد و نفرت هر ایرانی میهن دوستی را برمی‌انگیزد. مردم ما به یاد دارند که در ماه‌های نخست جنگ، هنگامی که بخش بزرگی از خاک میهن ما در اشغال دشمن تحریک شده به وسیله امپریالیسم آمریکا بود، رزمندگان ما از چنان برتری اخلاقی نسبت به دشمن برخوردار بودند که زیر شدیدترین فشارهای نظامی از دست زدن به چنین جنایاتی پرهیز می‌کردند.

در آن زمان جنگ، مصلحت‌رهایی بخش داشت و پایداری در چنین مبارزاتی برای رزمندگان ما، خود به خود تعالی اخلاقی به همراه می‌آورد. اما با فشاری چون آمیز سران ج.ا.ا بر ادامه توسعه طلبانه این جنگ، و تبدیل آن به جنگی فرسایشی که جز به سود امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه و غارتگران داخلی‌نست، جنگ ایران و عراق اینک مصلحت‌ارتجاعی یافته است و انحطاط اخلاقی طراحان و فرماندهان آن که در صدر فرمان آدم کشی سازمان یافته به اوج خود می‌رسد، نتیجه محتوم مصلحت‌ارتجاعی است.

از سوی دیگر مرحله نوین جنگ آشکارا روشکست سیاسی حاکمیت ج.ا.ا است که به ابتکار بست سیاسی حاکمیت ج.ا.ا است که به ابتکار خود سرنوشته خویش را با سرنوشته جنگ پیوسته زده است.

حکام ج.ا.ا خود، پیش از هرکس به واقعیت بن بست نظامی جنگ فرسایشی و اقلند حملات مکرر آنان به خاک عراق نتیجه‌ای جز تلفات و خسارات بسیار به بار نیاورده است. تلاش آنان تا کنون برای معامله سیاسی با امپریالیسم جهانی و دریافت سلاح‌های استراتژیک برای نجات از این مهلکه، در چهار چوب تناسب قوای کنونی جهانی و داخلی بی‌ثمر بوده است. مانورهای سیاسی از اساس نادرست در باره بستن آبراه‌های بین‌المللی، آنان را بیش از پیش در با تلاق جنگ فرو برده است. در چنین شرایطی حاکمیتی که به منافع مردم پایبند باشد، پیش از هر چیز به چاره جویی برای پایان دادن به این فاجعه میهنی بر می‌خیزد. اما سران ج.ا.ا در این موقعیت نیز، راه تشدید بحران را بر می‌گزینند، و با دامن زدن به مردم کشی لجام گسیخته در یک "جنگ کثیف"، مصیبت‌های تازه‌ای را به مردم ستمدیده ما تحمیل می‌کنند. رهبران ج.ا.ا سعی می‌کنند به مردم بقبولانند که:

"ما جز این اقدام چاره‌ای نداریم و ایمن آخرین راهی است که دشمن در برابر ما قرار داده است" (هاشمی رفسنجانی - نماز جمعه ۲۰ بهمن ۶۲).
اما مردم ایران خوب می‌دانند که این سخن، فریکاری نامیدانه و بیبهره‌ای بیش نیست. این پایان راهی است که آنان خود برگزیده‌اند.

هشدار تاریخی حزب توده ایران دربارهٔ جلوگیری از فرسایشی شدن جنگ

مردم ما به یاد دارند که تابستان سال گذشته هنگامی که پس از آزاد سازی خرمشهر و شکست نظامی همه جانبه تجاوز امپریالیستی عراق، نیروهای ایران به مرزهای بین دو کشور رسیدند و حکومت متزلزل عراق، بخش عمده خواست‌های برحق ایران را پذیرفت و جنبش انقلابی در عراق اوج گرفت، نیروهای نیکی‌ساز انقلابی و پیشاپیش همه، حزب توده ایران و سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بنا به مسئولیت بزرگ تاریخی خویش، خواستار پایان جنگ شدند.

حزب توده ایران اعلام کرد:
"مرحله تازه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انقلابی که همه می‌دانند صدام آن را طبق منافع و با تحریک آمریکا آغاز کرد پیش آمده است. در روی پرده دودی که آمریکا ایجاد کرده، هدف

اصلی‌اش تحمیل یک جنگ فرسایشی طولانی است در برابر این تدارکات و دام گسترده‌ها، اصل عبارتست از نجات و تحکیم انقلاب ایران از خط توطئه و بند دام‌ها و تثبیت ج.ا.ا و نیل به اهداف بزرگی که انقلاب پیش روی داشته است و دارد" (تحلیل هفتگی حزب توده ایران - شماره ۵۱ - ۲۷ مرداد ۶۱).

ما تأکید کردیم:

"در هم شکستن توطئه آمریکا، که با بسیاری "عروسک" های منطقه‌ای ازش می‌خواهد انقلاب را، از راه فرسایشی کردن جنگ و تحلیل بردن بنیه مادی و انسانی کشور ما تضعیف کند، و ما را از رسیدن به اهداف انقلاب و تحول بخشیدن به اوضاع اجتماعی - اقتصادی جامعه باز دارد و زمینه را برای انجام اقدامات براندازی فراهم سازد، وظیفه میرمی است که اهمیتش بیش از پیش آشکار می‌شود" (تحلیل هفتگی حزب توده ایران - شماره ۲۷ - ۱۶ آبان ۶۱).

اما سران ج.ا.ا به این هشدارها وقعی ننهادند؛ در نماز جمعه هشدار مسئولانه ما را ناشی از وابستگی حزب ما به سیاست اتحاد شوروی خواندند (موسوی اردبیلی - نماز جمعه ۲ مرداد ۶۱) و جنگ را با هدف تشکیک "حکومت اسلامی" در عراق، و تشکیل "ارتش بزرگ جهانی اسلام" و "واحد سیاسی بزرگ جهانی تحت لوای اسلام" (محسن رضایی - اطلاعات - ۱۷ شهریور ۶۲) ادامه دادند. این سیاست جنون آمیز شورونیسستی، تنها مناقضه امپریالیسم جهانی را که خواستار فرسایشی کردن جنگ بود و نیز منافع زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ ایران را برآورده می‌کرد که همان زمان از زبان عسکراولادی، سخنگوی سرشناس خویش می‌گفتند:

"تنها اشکال ما اینست که می‌آید به محض آنکه جنگ تمام شده‌ای به فکر رفاها باشند، نکند فکر کنید که جنگ به پایان رسیده، خیر چونکه ما برای استقرار نظام اسلامی در جهان تلاش می‌کنیم" (صبح آزادگان ۱۹ خرداد ۶۱).

نزدیک به یکسال و نیم از روزهایی که سران ج.ا.ا، راه ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق را برگزیدند، می‌گذرد. امروز مردم ایران عواقب شوم این سیاست را که مبارزان حزب توده ایران، اینک از جمله به خاطر هشدار مسئولانه به آنها زیر شکنجه‌های ددمنشانه به سر می‌برند، به تسجیره عینی لمس می‌کنند.

بقیه در صفحه ۱۴

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

رفیق یوری آندریف درگذشت!

بقیه از صفحه ۱

یوری ولد یوریچ آندریف دارای تحصیلات عالی بود و در سال ۱۹۳۹ به عضویت حزب پر افتخار کمونیست اتحاد شوروی درآمد. یوری آندریف هنگامی که ۱۶ سال پیش رنداشت، در جمهوری خود مختار استای شمالی به عنوان کارگر به کار مشغول بود و در کنار آن به فعالیت در کسمول لنینی می پرداخت. بعد ها شغل ملوانی در کشتیرانی رود ولگا را پیشه کرد.

یوری آندریف از سال ۱۹۳۶ به فعالیت در کسمول پرداخت، وی از ریزهای اول شروع جنگ کبیر میهنی در جنبش پارتیزانی کارلیا شرکت فعال داشت.

یوری آندریف از سال ۱۹۵۳ از جانب حزب برای انجام مأموریت های دیپلماتیک برگزیده شد. وی در ۲۲- مین کنگره حزب کمونیست اتحاد

شوروی و همچنین کنگره های بعدی به عضویت کمیته مرکزی حزب و در سال ۱۹۶۲ به سمت دبیری حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد. در ماه مه ۱۹۶۷ وظیفه ریاست کمیته امنیت دولتی، جنب شورای وزیران اتحاد شوروی به یوری آندریف محول شد. وی در ماه ژوئن همان سال به عضویت مشاوره های سیاسی کمیته مرکزی و از ماه آوریل ۱۹۷۳ به عضویت هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درآمد. وی از ماه مه ۱۹۸۲ دوباره به سمت دبیری کمیته مرکزی انتخاب شد.

یوری آندریف در ۱۲ نوامبر ۱۹۸۲ به دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و در ۱۶ ژوئن سال بعد به صدارت هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی برگزیده شد.

شهادت دو قهرمان



خسرو گسرخ و کرامت الله دانشیان

۱۰ سال پیش در سپیده دم روز ۲۸ بهمن، رژیم مغرور آریامهری دست به جنایتی دیگر زد و دو تن از بهترین فرزندان خلق ایران را به جوخه های اعدام سپرد. دو همزیم که همواره نشان در قلب توده ها زنده است: خسرو گسرخ و کرامت الله دانشیان.

این دو قهرمان، پس از تحمل شکنجه های غیر انسانی و به زانو درآوردن جلاان کمیته به پیدادگاه نظامی رژیم شاه آورده شدند. رژیم می خواست از این خیره شب بازی، نهایت بهره برداری را بکند، اما گسرخ و دانشیان در این صحنه چنان حماسه ای آفریدند که شعله های آن قبل از هر چیز دامن رژیم را سوخت. مشت گره کرده خسرو، صدای آرام و متین کرامت، پیدادگاه را به دادگاه محاکمه رژیم جانی تبدیل کرد. آنها از خود دفاع نکردند. آنها از ارانی ها، روزبه ها و وارطان ها سخن گفتند و به دفاع از ایدئولوژی خلاق خود پرداختند.

گسرخ و دانشیان به تدای خلق گسرخ فرا دادند، هنر خود را در خدمت به خلق عرضه کردند، وعده های ستگران، آنها را نفرت، شکنجه جلاان از پایشان نیکند و حکم اعدام اعتقاد و اراده شان را سست نساخت.

کاری خواهیم کرد

کاری کارستان گسرخ و دانشیان با ایثار جان خود در راه خلق، به آرمان انقلابی خویش وفادار ماندند و " کاری کردند کارستان! "

در سالگرد شهادت خسرو گسرخ و کرامت دانشیان، با یاد همه شهیدان راه آزادی میهن مان، به خاطر تابناکشان درود می فرستیم و استواری و دلوری آنها را می ستائیم.

**برقرار باد اتحاد همه نیروهای
صد امیرالسنی و دمکراتیک
ایران در جبهه متحد خلق**

کنستانتین چرنکو به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزیده شد

بقیه از صفحه ۱

در این اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، مسئله انتخاب دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح شد.

نیکلای تیخونوف، عضو هیئت سیاسی و رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، به نمایندگی از سوی هیئت سیاسی کمیته مرکزی، پیرامون این مسئله سخنرانی کرد. وی پیشنهاد کرد کنستانتین چرنکو به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی برگزیده شود.

اجلاس کمیته مرکزی، کنستانتین چرنکو را به اتفاق آرا به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزید.

کنستانتین چرنکو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پس از انتخاب خود به این سمت، سخنرانی کرد. وی از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خاطر اعتمادی که به وی کرده است تشکر کرد.

کنستانتین چرنکو، به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اطمینان داد که تمام توان، داناتی و تجارب زندگی خود را به کار خواهد بست تا وظایف ساختمان سوسیالیستی در اتحاد شوروی را به انجام رساند. اهداف کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، تقویت ظرفیت اقتصادی و توان دفاعی اتحاد شوروی سوسیالیستی را تحقق بخشد، سطح زندگی خلق شوروی را بالا ببرد و در جهت تحکیم صلح و تحقق سیاست خارجی لنینی که از سوی حزب کمونیست و دولت شوروی دنبال می شود بکوشد. اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی، با سخنرانی کنستانتین چرنکو، به کار خود پایان داد.

کنستانتین اوستینوویچ چرنکو در ۲۴ سپتامبر

۱۹۱۱ در دهکده پولشایا تییز، ناحیه نروسلو، منطقه کراسنویارسک متولد شد. وی در سال ۱۹۳۱ به عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی درآمد و تحصیلات عالی خود را در انستیتیوی تعلیم و تربیت و مدرسه عالی برای سازماندهان حزبی، جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) به پایان رساند. کنستانتین چرنکو، در اوائل جوانی به عنوان کارگر روز مزد نزد یک کولاک آغاز به کار کرد. وی مسئولیت های رهبری در کسمول و دستگاه حزبی را به عهده داشت.

کنستانتین چرنکو، در سال ۱۹۳۰ د اولیلنه به ارتش سرخ پیوست و از سال ۱۹۴۸، به عنوان مسئول شعبه تبلیغ و ترویج کمیته مرکزی حزب کمونیست ملداوی به فعالیت پرداخت.

کنستانتین چرنکو از سال ۱۹۵۶ به کار در شعبه مرکزی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی فرا خوانده شد. در سال ۱۹۶۶ به عضویت مشاوره کمیته مرکزی، و در کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی، به عضویت کمیته مرکزی و در ماه مارس ۱۹۷۶، در اولین پنلیم پس از کنگره ۲۵ به دبیری کمیته مرکزی برگزیده شد. وی از سال ۱۹۷۷، مشاور و از سال ۱۹۷۸ عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

کنستانتین چرنکو، در هیئت نمایندگی اتحاد شوروی در کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که در سال ۱۹۷۵ در هلسنکی برگزار شد، همچنین در مذاکرات خلیج سلاح بین (۱۹۷۹) شرکت داشت.

کنستانتین چرنکو ۲ بار به خاطر خدمات خود به عنوان " قهرمان کار سوسیالیستی " نائل آمده و سه بار مدال لنین را دریافت داشته است.

مردم مرفقی جهان: صدور احكام عليه افسران ميهن دوست و توده‌ای‌های دربند را متوقف کنید!

صدور احكام جابرانه بیدادگاه‌های نظامی ج ۱۰ علیه افسران ميهن دوست و توده‌ای‌های دربند و نیز برگزاری دادگاه‌های فرمایشی اعضا و فعالین حزب توده ایران در شهرستان‌های ایران که بدون حضور خبرنگاران و وکلای مدافع و بستگان آنان و بر اساس دستور العمل‌های ارسال شده آغاز شده است، هم چنان مورد خشم و اعتراض گسترده احزاب، سازمانها و انجمن‌های دمکراتیک جهانی است. بی‌اعتنائی ما مورین سفراتی ج ۱۰ به خواستهای برحق آنان مانع از آن نشده است که مردم مرفقی جهان، همچنان خشم و نفرت و اعتراض خود را نسبت به این اقدامات ضد قانونی، ضد انسانی و ناقض تمامی موازین بین‌المللی رستار از پیش ابراز نکند.

"راه توده" تا آن جا که صفحات محدود خود اجازه می‌دهد، گوشه‌ای از اعتراضات و ابراز همبستگی‌های مردم آزادی خواه و انسان دوست جهان را با حزب توده ایران و اعضا و دربندان منعکس می‌سازد:

عکس العمل محافل مرفقی جهان در برابر احكام صادره از بیدادگاه‌های نظامی

بریتانیا

سفارت ج ۱۰ در لندن، یاز هم وسده خود را مبنی بر صدور اجازه روادید به هیأتی مرکب از دو نماینده پارلمان انگلستان، یک نماینده پارلمان اروپا و یک پزشک که به تأیید جامعه ملل متحد در بریتانیا و ایرلند شمالی (سازمان معتبری که وابسته به سازمان ملل متحد است) نیز رسیده بود، پس گرفت.

هیأت مذکور به دنبال تقاضای شخصیت‌های مرفقی بریتانیا، مبنی بر امکان دیدار از زندان‌های ایران و بررسی چگونگی وضع زندانیان سیاسی تشکیل شد و همانگونه که اشاره رفت، سفارت وسده فراهم آوردن امکانات را برای سفر هیأتی با این گونه مشخصات داده بود. ولی در ماه ژانویه طی نامه‌ای به مبنکرین تشکیل هیأت اطلاع داد، از آنجا که در ایران با هیچ‌کس به طور غیرقانونی رفتار نمی‌شود و زندان‌ها بیشتر حالت ستاد‌های آموزشی دارند و وسائل آموزش در آن‌ها برای زندانیان مهیا است، دلیلی برای دیدار این هیأت از زندان‌ها وجود ندارد.

و به این ترتیب، مقامات حکومتی ج ۱۰، بار دیگر ترس و وحشت خود را از افزایش حقایق جنایاتی که در اطاق‌های تعسیت زندان‌های

ج ۱۰ می‌گذرد آشکار می‌سازند.

● جری پروکاک، عضو هیأت سیاسی کمیته اجرائی و دبیر شعبه بین‌المللی حزب کمونیست بریتانیا، طی مصاحبهای با روزنامه "مورنینگ ستار" (ستاره صبح)، از گران حزب، پیرامون رأی دادگاه‌های نظامی تهران علیه افسران ميهن دوست مدافع انقلاب و برخی از اعضای حزب توده ایران، اظهار داشته است:

"احكام صادره در مورد این مبارزین که در دادگاه‌های درسته فرمایشی، بدون اینکه اجازه دفاع داشته باشند، محاکمه شده‌اند، مردود است و ما در این مورد باید به اعتراضات گسترده دست بزنیم. در ضمن نباید فراموش کرد که هزاران تن از اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای مرفقی هم چنان تحت بازداشت و شکنجه‌های وحشیانه به سر می‌برند."

وی یاردیگر، طی فراخوانی، از کلیه نیروهای مرفقی خواست تا در تظاهرات اعتراضی حزب کمونیست بریتانیا، که بدین مناسبت، در برابر ساختمان سفارت ج ۱۰ در این کشور برپا می‌گردد، شرکت نمایند.

● کریس مایانت، عضو هیأت سیاسی و کمیته اجرائی حزب کمونیست بریتانیا، طی مقاله‌ای که در تاریخ ۳ ژانویه (۱۳ دی) در روزنامه "مورنینگ ستار" به چاپ رسیده، صدور احكام سنگین از طرف بیدادگاه‌های فرمایشی را شدیداً

محکوم نموده و توجه افکار عمومی دمکراتیک جهان را مجدداً به خطری که جان فعالین و اعضا حزب توده ایران با تهدید می‌کند، جلب کرده است.

فعالین جنبش صلح بریتانیا، جنایات حکومت ج ۱۰ را علیه اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای مرفقی محکوم می‌کنند

در جلسه‌ای که روز جمعه ۱۳ ژانویه از طرف دستداران صلح بریتانیا در لندن برگزار گردید، در باره رویدادهای اخیر ایران و برگزین محاکمات نظامی درسته، علیه مدافعان راستی انقلاب و برخی از اعضای حزب توده ایران، بحث و گفتگو به عمل آمد و در پایان، حاضرین به امضای متن اعتراضی، جنایاتی را که به دست حکومت ج ۱۰ علیه مبارزین ضد امپریالیست در ایران اعمال می‌شود، محکوم نموده، درخواست کلیه محافل دمکراتیک بین‌المللی، مبنی بر اعزام هیأتی جهت بازدید از زندانیان و بررسی چگونگی وضع آنان از نزدیک، با فشاری نمودند.

در میان امضا کنندگان، اسامی شخصیت‌های برجسته جنبش صلح بریتانیا و از جمله خانم جون رداک، مسئول جنبش مبارزه در راه صلح، سالی، مایک پنت، معاون ریاست جنبش نورمن پیک، اسپر کلی و سیندی هوسکلی، اعضا شورای مرکزی جنبش، به چشم می‌خورد.

بقیه در صفحه ۵

نامه دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

ایران دریافت کرده‌ایم. این پاسخ دندان شکنی است به کشتارهای نیروهای ارتجاعی. اهمیت این پلنوم که در سخت ترین شرایط برگزار شده است، تنها محدود به طبقه کارگر و کمونیست‌های ایرانی نیست. ما برای شما، در اجرای وظایفی که در برابر خود قرار داده‌اید کامیابسی آرزو می‌کنیم. حزب کمونیست ترکیه که در شرایط تسلط یک رژیم فاشیستی به مبارزه مشغول است، فریاد همیاری خود را با حزب توده ایران، در هر شرایطی و با تمام نیروی خود بلند می‌کند.

با درودهای کمونیستی
حیدر کونول
دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه

رفقای عزیز، ما با نهایت نگرانی جریسان بی‌گردد، شکنجه‌ها، محاکمات و تضحیاتی را که علیه عده زیادی از اعضا حزب توده ایران به عمل می‌آید دنبال می‌کنیم. گناه این افراد، فقط دفاع از منافع طبقه کارگر ایران و مبارزه در این راه است. احکامی که اخیراً در مورد افسران ميهن دوست و اعضای حزب توده ایران اعلام شده است، آخرین حلقه توطئه امپریالیسم و ارتجاع بر ضد مردم ایران است. حزب کمونیست ترکیه خواهان قطع فوری کشتار اعضای حزب توده ایران قدیمی‌ترین و شجاع‌ترین حزب ایران است. ما همکاری بیشمارانه میان نیروهای ارتجاعی ایران و رژیم فاشیستی ترکیه را محکوم می‌کنیم. ما از سوی دیگر خیرشادی آوری در باره برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده

۱۹ ژانویه ۱۹۸۴

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

مردم متری جهان: صدور احکام

بقیه از صفحه ۴

دانمارک

حزب کمونیست دانمارک، طی اعتراض نامه‌ای که در تاریخ ۲۴ ژانویه (۴ بهمن ماه) به سفارت ایران در کپنهاگ تحویل داده شد، تأثیر و تأسف خود را از دریافت خبر مربوط به صدور احکام جابرانه دادگاه‌های نظامی علیه افسران مدافع انقلاب و برخی از اعضای حزب توده ایران ابراز نموده و خاطر نشان ساخته است که احکام صادره نیز همانند جریان محاکمات سری پشت درهای بسته و به کمک محروم ساختن متهمان از حق دفاع آزاد از خود، مردود و محکوم است.

این حزب، همچنین درخواست کمونیست‌های دانمارک و سایر دموکرات‌های این کشور مبنی بر آزادی متهمان و دیگر زندانیان سیاسی متری تأکید ورزیده است.

روزنامه «لنداک فالک» ارگان حزب کمونیست دانمارک نیز، در مقاله‌هایی به تاریخ ۲۴ و ۲۵ ژانویه (۴ و ۵ بهمن) به جریان مشروح بازداشت، شکنجه و کسب «اعترافات» از اعضا «حزب توده» ایران و سپس برپائی مضحکه دادگاه‌های فرمایشی نظامی تهران پرداخته و اهداف ارتجاع را از اعلام غیر قانونی بودن حزب توده، ایران، تشریح کرده و به احکام صادره از طرف دادگاه‌ها، شدیداً اعتراض نموده است.



حزب کمونیست دانمارک همچنین، تلگرامی در این زمینه خطاب به موسوی اردبیلی، رئیس هیئت دیوان عالی کشور مخابره نموده و ضمن آن صدور احکام علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران و نیز نحوه انجام محاکمات را غیرقانونی و مردود شمرده، لغو احکام و استقرار حکومت قانون و آزادی کلیه زندانیان سیاسی متری در ایران را خواستار شده است.

آمریکا

در جلسه‌ای که روز شنبه ۳ دسامبر (۲۲ آذر ماه) به ابتکار سازمان ایالتی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در ایالت ایلی نویز، جمعیت

شرکت کنندگان در جلسه، طی صدور قطع نامه‌ای، این اعمال را محکوم نمودند و خواستار برگزاری محاکمات به صورت علنی و با شرکت گروهی از حقوق دانان بین‌المللی گردیدند. آنان هم چنین «اعترافات» رهبران حزب توده ایران را که تحت شکنجه‌های وحشیانه اخذ شده است، مردود شمرند و آن را در تضاد با اصول موازین قضائی بین‌المللی ارزیابی کردند و ضمن تأکید بر این امر که سرکوب حزب توده ایران، سرکوب انقلاب ایران است، آزادی کلیه زندانیان توده‌ای و سایر دمکرات‌های در بند را خواستار گردیدند. قطعنامه به امضای سازمانهای متری زیر رسیده است:

سازمان ایالتی حزب کمونیست آمریکا در ایلی



جاسه همبستگی با حزب توده ایران در آمریکا - ایلی نویز

نویز • سازمان جوانان کمونیست ایلی نویز • سازمان دمکراتیک جوانان فلسطین • اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین، شعبه • کمیته همبستگی با آمریکای لاتین، شعبه سنت لوئیس • اتحادیه دمکراتیک عراق • هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین • دوستان و هواداران حزب کمونیست یونان • هواداران حزب کمونیست شیلی • هواداران سازمان فدائیان بقیه در صفحه ۱۵

پرفسور یان کرد، شاعر و نویسنده شهیر و عضو هیات مدیره این انجمن، سخنانی پیرامون رویداد های اخیر ایران و سرکوب نیروهای متری، به ویژه حزب توده ایران بیان کردند. آنان همچنین به زنگ خطری که اعلام دادگاه‌های نظامی علیه این مبارزین به صدادر می‌آورد اشاره کردند و حاضرین را دعوت به اقدامات اعتراضی علیه قانون شکنی‌ها و خودسری‌های مسئولین حکومتی ج ۱۰ و نجات جان زندانیان نمودند.

حزب کمونیست عراق:

حزب توده ایران پرتوان‌تر از گذشته در راه استقلال،

آزادی و ترقی اجتماعی مبارزه خواهد کرد!

کرداندن کشور به زیر یوغ وابستگی به امپریالیسم منجر خواهد شد. حزب کمونیست عراق همچنین ضمن ابراز همبستگی با حزب ما و اعضای آن در این موقعیت دشوار، تأکید کرده است که: «حزب ایرانی‌ها، روزها، تیزابی‌ها و حسین پورها، همانطور که تاریخ حزب ثابت کرده است، از این نبرد، یار دیگر پرتوان‌تر برخواهد خاست و روئین‌تر از گذشته، در راه استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی مبارزه خواهد کرد.»

در پیام تبریک حزب کمونیست عراق به مناسبت آغاز چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران که در روزنامه «طریق الشعب» ارگان حزب درج گردیده است، ضمن بررسی عمل سرکوب وحشیانه حزب ما به دست ارتجاع حاکم بر ایران و زمینه‌های دروغ‌پردازی علیه حزب و اعضای آن، از جمله آمده است:

«مردم ایران با تجربه‌ای که در این زمینه به دست آورده‌اند، به این امر واقفند که کارزار ضد کمونیستی‌ای که علاضدیت با آزادی خواهی است، در نهایت به دشمنی با خلیس و یاز-

پیرامون انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

در اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از تشریح وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در مرحله کنونی، از همه آنانی که خواهان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند دعوت می شود تا "به فهرست نامزد های ارائه شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰ و سازمان های مربوط به آنها رأی مخالف دهند".

چرا ما موضوع تحریم انتخابات را مطرح ساختیم و چه فرقی بین شرکت در انتخابات و دادن رأی مخالف و تحریم آن وجود دارد؟ این هر دو شیوه مضمون واحدی دارد. در هر دو مورد هدف اعتراض به اختناق حاکم و مخالفت با سیاست های ارتجاعی هیئت حاکمه است. ولی در گزینش شیوه اعتراضی نمی توان و نباید جو پلیسی حاکم را نادیده گرفت. تحریم انتخابات یعنی عدم حضور در مراکز انتخاباتی. همه می دانند که یکی از زشت ترین شیوه های پلیسی رایج در ج ۱۰ زدن مهر ویژه شرکت در انتخابات به شناسنامه ها است. نبود چنین مهری در شناسنامه علاوه بر بی آمدن نام مطلوب دیگر می تواند به قطع جیره بخور و نمر مردم منجر گردد. به همین سبب ما شیوه دوم را بر "تحریم" ترجیح دادیم. قوه مقننه در تعیین سرنوشت مردم نقش تعیین کننده دارد. انتخابات مجلس، یعنی گزینش افراد با صلاحیت و سپردن امور مربوط به قانون گذاری به دست آنان مجلس یا تأیید نخست وزیر و ترکیب کابینه و تصویب قوانین راه برون رفت از بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نشان می دهد. انتخاب نمایندگان صالح، لایق، کار دار، محافظ منافع محرومین جامعه و صادق به آماج های مردمی انقلاب بهمن ۵۷، وقتی میسر است، که مردم بتوانند حق را از باطل تمیز دهند. این امر فقط و فقط در شرایط مراعات اکید آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم امکان پذیر است.

در اعلامیه مشترک گفته می شود: "انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود، که خلفان و ترور بر میهن ما سایه افکنده، ارگان های سرکوب گر یک تاز میدانند، قلم ها را شکسته و زبان ها را بسته اند، ده ها هزار توده های وفاداری و مجاهد مبارزین واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سیاهچال های رژیم تحت شکنجه های وحشیانه جسی و روحی قرار دارند و روزی نیست که احکام جاپرانه زندان های دراز مدت یا اعدام میهن - دوستان اعلام نگردد".

مردم ایران هر روز و هر ساعت با این حقیقت عریان در تماس اند. با وجود این سران

ج ۱۰ که از کلمه "آزادی" مانند جن از بسا الله می ترسند، از ضرورت مراعات آزادی انتخاباتی سخن می گویند. جالب است که سران ج ۱۰ حتی در محیط اختناق کنونی نیز نگران آینده اند. در غیر این صورت منع انتقاد از دولت و مجلس و دیگر نهاد ها را، بلافاصله پس از اعلان قریب الوقوع انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی چگونه می توان تعبیر کرد؟

یکی از شرایط عمده انتخابات آزاد، بررسی عملکرد دولت و مجلس در عرصه های گوناگون است. به ویژه این که هم رئیس دولت و هم عده زبانی از وزرا و نیز اکثریت اعضا قوه مقننه مستقیم به حزب حاکم - حزب ج ۱۰ هستند و این حزب مانند سلفش حزب رستاخیز، یگانه سازمان سیاسی آزاد در کشور است. در این که قوای مقننه، مجریه و قضائی منشأ کلیه صائب و مشکلات عظیم دامنگیر جامعه اند تردیدی نیست. قوای سه گانه عملاً به ثبوت رسانده اند، که لیاقت و کارآمدی مملکت داری را ندارند و کشور را به آستانه ورشکستگی سوق می دهند. عدم آزادی های فردی و جمعی و غیر قانونی شدن فعالیت احزاب ملی و مترقی امکان هر گونه انتقاد سازنده و خلاق را به قصد روشننگری افکار عمومی از بین برده و صحنه را برای جناح های مختلف در حاکمیت خالی گذارده است. اینک این جناحها در انتقاد از دولت و مجلس یا پشت کردن به صالح ملی، منافع گروهی را در نظر دارند. مبارزه در راه قیض انحصاری قدرت، که از فردای پیروزی انقلاب آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد، با نزدیک شدن انتخابات شکل حادی گرفته بود. جناح های متخاصم اسرار مگورا، که مردم نمی بایست از آنها باخبر شوند، بازگو می کردند و برای جلب نظر توده ها به عوام فریبی و دادن وعده های بی پشتوانه متوسل می شدند. منع انتقاد از دولت و دیگر نهادها ارتباط مستقیم با نبرد بر سر قدرت داشت.

در قطعنامه پنجم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به درستی خاطر نشان می شود، که: "مشخصه عمده وضع موجود را می توان سیاست مانور میان طبقات و اقشار و "استعداد" عوام فریبانه از تمام قشرها و طبقات جامعه برای پرده پوشی دفاع از منافع طبقه استثمار گردانست".

در جریان مانور عوام فریبانه، این یا آن گروه گوشه هایی از حقایق را بازگو می کنند که آموزنده است. برای اینکه مستند سخن گفته باشیم به اظهارات مقامات رسمی و نیمه رسمی، که گاه و بیگاه در رسانه های گروهی انتشار می یابد و بازتاب مبارزه میان جناح های گوناگون است، مراجعه می کنیم.

آیت الله منتظری در دیدار با سرپرست شورای مرکزی گزینش ضمن طرح مسئله "منزوی کردن نیروها" گفت: "من این واقعیت را در یکی از ملاقات های اخیر صریحاً گفتم و در رسانه های گروهی هم منتشر شده که احساس می شود نیروهای متدین و لایق در بازار و آموزش و پرورش و سپاه پاسنبداران و از روی جهنسالیت و نادانی یا شیطنت به تدریج با برجسب های مختلف حذف و منزوی می شوند و موجبات نارضایتی به وجود می آید... (کیهان ۹ آذر ماه ۱۲۰۰)".

آنچه آقای منتظری می گوید، پدیده نویسی نیست. وقتی ده ها هزار هواداران و اعضا احزاب و سازمان های انقلابی و ضد امپریالیستی را با زدن برجسب های بی شرمانه از ادارات و نهادها اخراج می کردند، آب از آب تکان نمی خورد. ولی اکنون که نوبت هواداران جناح خودی فرا رسید، فریاد بر می کشند و برجسب زنی را، که به سنتی رایج در ج ۱۰ تبدیل شده تقیب می کنند. حیرت آور آنکه آقای موسوی نخست وزیر ج ۱۰ که مسئول مستقیم این روند ناهنجار است، خود زیان به شکوه می کشد و در صاحب های می گوید: "..... بنده به عنوان یک خدمتگزار کوچک

باید عرض کنم که این خطر بسیار بزرگ است و تنها در سطح محدودی مطرح نیست، بلکه در کلیه ارگانها و دستگاهها به نظر می آید این خطه کشی ها باعث حذف و طرد نیروهای کارآمدی از این طیف و یا از آن طیف می شود و بنده کاملاً لسزوم پایان دادن به این خط کشی ها را احساس می کنم" (اطلاعات ۹ بهمن ۱۲۰۰).

نخست وزیر که لزوم پایان دادن به این "خط کشی ها" را حس می کند و معتقد است که این کارها "نفرت عمومی" را دامن می زند و حتی احتمال "عواقب خطرناک" را نیز حدس می زند، چرا تدابیر جدی اتخاذ نمی کند؟ آیا این خود نشانه عجز دولت و دلیل باز عدم لیاقت آنانی نیست که سکان اداره کشور را به دست دارند؟ تا کی توده های محروم باید قربانی انواع "خط ها" و "طیف ها" باشند؟ به اصطلاح مبارزه انتخاباتی هم بین پیروان این "خط ها" و "طیف ها" جریان دارد. آنها که در این مبارزه روابط را جایگزین ضوابط و معیارها کرده اند، سعی دارند سهم بیشتری از خسوان یغمای گسترده به خود اختصاص دهند.

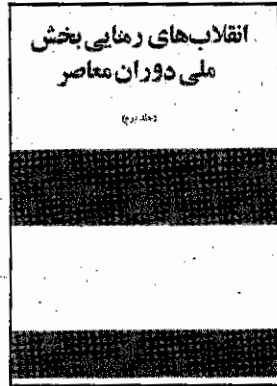
آقای محسن رهامی نماینده مجلس آشناس با مساله ماجرا - های پشت پرده در صاحب های با "اطلاعات" بقیه در صفحه ۱۱

مردم ایران! به فهرست انتخاباتی حکام جمهوری اسلامی رای مخالف دهید!

معرفی کتاب

انقلاب‌های رهایی بخش ملی دوران معاصر

نویسنده: ن. پروتس
ترجمه: اپویا



کتاب انقلاب‌های رهایی بخش ملی دوران معاصر اثر دانشمند شوروی ن. پروتس که به فارسی برگردانده شده و در دو جلد جداگانه، به طبع رسیده است، حاوی اندیشه‌های گزیده‌ای پیرامون مسائل کشورهای پند رسته‌ای است که در راه استقلال اقتصادی، تأمین عدالت، پیشرفت و ترقی اجتماعی کام بر می‌دارند.

نویسنده این اثر سرگرنقدر که یکی از نامدارترین کارشناسان مسائل این گونه کشورها و از صاحب نظران برجسته تئوری جنبش‌های رهایی بخش ملی است، جلد دوم اثر خود را به بررسی جوانب گوناگون روند مبارزه این جنبش‌ها در مرحله نوبین انقلاب‌های رهایی بخش ملی و خصوصیات دمکراسی انقلابی در ناحیه جنبش‌رهایی بخش ملی اختصاص داده است.

ن. پروتس در پیش‌گفتار اثر خود، خاطرات نشان ساخته است که یکی از خصایص مشخصه انقلاب‌های رهایی بخش ملی دوران معاصر این است که این انقلاب‌ها با کسب استقلال سیاسی پایان نمی‌یابند، بلکه وارد مرحله نوبین از مبارزه می‌شوند که هدف آن نیل به رهایی اقتصادی، قطع وابستگی به امپریالیسم و تحکیم استقلال سیاسی و پیشرفت اجتماعی بر پایه رهایی اقتصادی است.

ن. پروتس در فصل مربوط به "آرایش و صف بندی نیروهای طبقاتی" در "مرحله نوبین انقلاب‌های رهایی بخش ملی" با اشاره به درگون شدن آرایش و صف بندی نیروهای طبقاتی و تحولات مهمی که در جهت تشدید تضادهای اجتماعی به وقوع می‌پیوندد، این پدیده‌ها را مهم ترین خصیصه ویژه تحول مناسبات طبقاتی در مرحله دوم انقلاب می‌نامد. وی تذکر می‌دهد که:

"تضادهای اجتماعی، به ویژه در رابطه با مواضع گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی در قبایل و وظایف نوبین انقلاب‌های رهایی بخش ملی، تشدید می‌شود. سرشت مرحله دوم انقلاب که در جریان آن نیروهای اجتماعی گوناگون رود روی مسأله سمت گیری اجتماعی کشور قرار می‌گیرند، برانگیزنده آگاهی و بروز منافع طبقاتی و نتیجتاً تمایزات اجتماعی است" (صفحه ۴۳).

این حکم هسته مرکزی بخش اول کتاب مذکور را تشکیل می‌دهد (فصل اول و دوم). نویسنده با حرکت از این مسئله، مواضع طبقات و اقشار گوناگون اجتماعی را نسبت به روند آتی تحمیق انقلاب و حل وظایف دمکراتیک عام آن

است (ص ۹۹).

بررسی مواضع بورژوازی ملی که به نظر نویسنده کتاب در مرحله نوبین جنبش‌های رهایی بخش ملی، هنوز از برخی مواضع ضد امپریالیستی برخوردار است، اما دیگر به عنوان یک طبقه، انقلابی محسوب نمی‌شود و "دیگر جز" نیروهای محرکه انقلاب رهایی بخش ملی نیست (ص ۱۰۳). از بخشهای بسیار جالب و آموزنده این کتاب ارزشمند را تشکیل می‌دهد. نویسنده کتاب درباره گرایش ضد امپریالیستی بورژوازی ملی خاطر نشان ساخته که:

"اغلب گرایش سازش با امپریالیسم بر گرایش ضد امپریالیستی آن غالب می‌گردد و با تعمیم این فکر تأکید می‌کند " نکته دیگری که به همین اندازه اهمیت دارد، اینست که امپریالیسم به سرمایه داری ملی در کشورهای رشد یافته از دیدگاه مبارزه با نظام جهانی سوسیالیستی می‌نگرد. این تقابل متعابله سازش، اساس همه سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون رفه‌یستی و سازشکارانه را در تحولات مختلف کشورهای نوبین استقلال، و تضعیف دائمی جنبش انقلابی در این کشورها تشکیل می‌دهد."

در بخش دیگر این کتاب، "برخی روند‌های ایدئولوژیک پس از کسب استقلال سیاسی" کشورهای تازه از بند رسته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و خاطر نشان می‌شود که:

"نمود ظاهری مبارزه ایدئولوژیک در کشورهای نواستقلال، ویژگی‌های ظاهری یا واقعی مفاهیم ایدئولوژیک رایج در این کشورها، مضمون واقعی و اهمیت این مبارزه در چارچوب مبارزه ایدئولوژیک جهانی تعیین می‌شود و بروز می‌کند. در این بخش از کتاب تئوری‌های گوناگون "ما فوق و ما را" طبقاتی "و جدت ملی که سلاخ نیروهای مدافع راه رشد سرمایه داری است، بررسی می‌شود و برداشتهای گوناگون پیبیرالیسم "سوسیالیسم ملی" در کشورهای نواستقلال و روند نفوذ و رشد اندیشه‌های سوسیالیسم علمی در این کشورها که به قول نوبین، خلقها آن را "بسا خون دل" فرا می‌گیرند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است."

در فصل چهارم کتاب که به "نقش شرایط بین‌المللی در پیشرفت مبارزه رهایی بخش ملی" اختصاص دارد نویسنده به درگون شدن این شرایط در تمام جوانب آن پرداخته و یادآور شده است که این درگونی‌ها:

"در جهت به وجود آوردن شرایط مساعد برای پیشرفت موفقیت آمیز روند رهائی ملی و غنی تر شدن مضمون اجتماعی این روند است."

"اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست با تلاش بسیار می‌کوشند خصایص ویژه جنبش‌های رهایی بخش ملی را به عنوان جزئی از مبارزه طبقاتی جهانی کشف و بررسی کنند. تنها با کشف این خصایص ویژه امکان برقراری مناسبات صحیح میان تمام نیروهای روضد انقلاب جهانی و تحکیم اتحاد میان جنبش‌های رهایی بخش ملی و سوسیالیسم و به وجود آوردن مناسب ترین شرایط برای ظهور تمام توان انقلابی اینس

و پیشرفت و فراوانی آن به سوسیالیسم مورد بررسی قرار داده است. وی در این بخش، نقش طبقه کارگرو دهقانان، مواضع بورژوازی ملی و بوروکراتیک و نقش نیروهای خرده بورژوازی و اقشار بینابینی را ارزیابی می‌کند و نیروهای محرکه انقلاب را در این مرحله نوبین از انقلاب‌های رهایی بخش ملی، برحسب میزان آمادگی و توانائی آنان برای شرکت در حل انقلابی و وظایف انقلاب توضیح می‌دهد. در این بخش از کتاب نظرات جالبی ابراز شده که برخی از آنان را به نسبت اهمیت در این "معرفی نامه" ذکر می‌کنیم.

ن. پروتس، در بررسی مسئله "بورژوازی بوروکراتیک" می‌گوید:

"وجه مشخصه بورژوازی اداری در کشورهای رشد یافته، با توجه به موقعیت ویژه آن در سیستم قدرت دولتی و آن گرایش اجتماعی که این بورژوازی نماینده آنست، ما را به یاد تز مارکس می‌اندازد که می‌گوید در شرایط عینی، بوروکراسی می‌تواند به عنوان یک وسیله در جهت تسداری سلطه بورژوازی خدمت کند."

بورژوازی بوروکراتیک به دلیل موقعیت خاص و طرق ثروت اندوزی به خود فروشی سیاسی نیز اشتها دارد و آماده است به ضد ملی ترین و ضد مردم ترین اقدامات دست بزند."

نگاهی اجمالی به سیرانقلاب و چرخش مواضع بسیاری از دست اندرکاران امور مملکتی در ۱۰ صحت این حکم را که کوهی از واقعیات کشورهای دیگر در حال رشد را پشت سر خود دارد، اثبات می‌کند، حزب ما، بارها در باره این خطر هشدار داده و نقش مخرب این گروه را در روند انقلابی میهن ما بر ملا ساخته است.

نویسنده در بخش دیگری از فصل دوم کتاب، در جایی که پیرامون نیروهای محرکه انقلاب سخن می‌گوید، می‌نویسد:

"اگرچه ممکن است، برنامه دمکراتیک عام مرحله دوم مبارزه رهایی بخش ملی با منافع و تمایلات نیروهای مختلف اجتماعی مطابقت داشته باشد، ولی معنای آن لزوماً این نیست که همه این نیروها برای اجرای برنامه‌های مذکور به طرق انقلابی آمادگی داشته باشند و عمل کنند" (ص ۹۷).

نویسنده کتاب با توجه به ظرفیت انقلابی و پیگیری طبقه کارگر متذکر شده است که:

"در مورد طبقه کارگر باید گفت که در مرحله دوم، اهمیت اجتماعی او افزایش یافته و در راه کسب رهبری مبارزه رهایی بخش پیشرفت کرده

هدف یورش

دادگاه‌های فرمایشی محاکمه اعضای حزب توده ایران را ادامه می‌دهند. اخبار منتشره در رسانه‌های گروهی نشان می‌دهد که جنایت نینوی در حال تکوین است بنا بر اخبار مندرج در روزنامه‌ها شنواری عالی قضائی، احکام سه تن از افسران میهن دوست را تأیید کرده است. گرچه محافل قضائی مضمون آنها را منتشر نساخته‌اند، ولی پاره‌ای از ارگان‌های رسمی مطبوعاتی سخن از احکام اعدام به میان آورده‌اند، که نمی‌تواند نگرانی مفیق افکار عمومی را موجب نگردد. هزاران تن از اعضای حزب ما را با زیر پا گذاشتن کلیه قوانین و مقررات قضائی و دادرسی به پای میز محاکمه کشانده‌اند. اتهامات "سیا" ساخته مضمون و محتوای اساسی کیفرخواست‌های سرهم بندی شده را تشکیل می‌دهد.

جریان دادرسی افسران میهن دوست، با وجود قلت اخبار سانسور شده و پیرامون آنچه پشت درهای بسته می‌گذرد، چهره واقعی مسئولین قضائی ایران را که از شیوه‌های فاشیستی در جریان دادرسی مدعی می‌گیرند، بیش از پیش فاش ساخت. موارد اتهام برای همه افسران شرافتمند یکسان بود: عضویت در حزب، پرداخت حق عضویت، شرکت در جلسات حزبی، معرفی نامزد حزبی و بالاخره "جاسوسی" و "براندازی".

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت صدور احکام جاپرانسه بیدادگاه‌های نظامی در تهران علیه افسران میهن پرست گفته می‌شود:

"نابیندگان محافل ارتجاعی با این اقدام بیرمزشانه، خصومت کور خود را نسبت به میازان صادق راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بار دیگر در پهنه عمل به نمایش گذاردند. حتی اطلاعات ناقص و دستکاری شده روزنامه‌های مجاز حکایت از آن دار دک گردانندگان دادگاه‌ها انقلاب اسلامی ارتش نتوانسته‌اند دلیل معقول و موثقی در اثبات جرائم واهی ارائه دهند. گرچه رئیس و دادستان دادگاه کشیدند تا توسل به انواع ترفندها جرائم ناکرده را به اثبات برسانند، افسران میهن پرست طبرقم فشار بی‌سابقه، در جریان دادرسی اتهام "سیما" ساخته جاسوسی و براندازی را قویا تکذیب کردند."

حتی آنچه به نام اصطلاح دفاع "متهمین" در رسانه‌های گروهی منتشر ساخته‌اند، بی‌گانه‌ی تام و تمام افسران میهن دوستی را که مجموعاً به ۷۰۰ سال زندان محکوم شده‌اند، به ثبوت می‌رساند. ما سعی می‌کنیم برخی از اظهارات آنها را در رد اتهام بی‌پایه و سخیف "جاسوسی" و "براندازی" به نقل از رسانه‌های گروهی عیناً به نظر خوانندگان برسانیم. ناخدا یکم افضلی یا منطق و ارائه دلیل کلیه اتهامات دادستان را دایسر به دادن اطلاعات سری به حزب توده ایران رد کرد.

سرگرد باقر سامیر اظهار داشت:

"من با حزب تماس داشتم و لحظه‌ای به مملکتم خیانت نکردم. سیف‌الله غیاثوند اعلام کرده که ۳۰ ماه در جبهه بوده و چندین بار زخمی شده، در این مدت هیچگاه از من خواسته نشد که اطلاعات بدهم و با توجه به اینکه از چگونگی عملیات‌ها اطلاع داشتم هرگز از من اطلاعات خواسته نشد."

ستوان یکم اسدالله دریک وندی:

"کوچکترین اطلاعات و اخبار را به مسئولین حزب ندادم."

محمد بهرامی نژاد:

"مسئولیت من تنها رساندن اطلاعاتها و تحلیل‌های حزب به افراد تحسنت مسئولیت بود و هرگز آنها را تشویق و ترغیب به کسب خیر از محل کارشان نمی‌کردم. من هیچ اطلاعاتی که مضر برای انقلاب باشد و نیز هیچ اطلاعاتی از ارتش به حزب ندادم."

دکتر ایران نژاد:

"اتهاماتی که در مورد عضویت و حق عضویت بوده است را می‌پذیرم، ولی از مسئله براندازی و تشکیلات نظامی و جاسوسی هیچ خبری ندارم و در محیط نظامی هم نبودم."

سرهنگ هوشنگ عطاریان:

"من جاسوسی و اقدام علیه امنیت کشور و براندازی را قبول ندارم. از طرف حزب اصلاً صحبت براندازی پیش نمی‌آمد."

خلیل قبادی آذر در دفاع از خود گفت، که هیچگونه اخباری از محیط کار به رابط تشکیلاتی خود نداده است. علی اکبر میرزائی خاطر نشان کرده، اصلاً با مسائل سری آشنا نبوده و به آنها دسترسی نیز نداشته است و هیچگونه اخبار و اطلاعات هم نداده است. وی افزود:

"فعالیت ما تنها خواندن تحلیل‌های روزنامه مردم بود."

اکبر مقارهای اظهار داشت:

"از آقایان که این جا حضور دارند بهر سید اگر خبری از آنها گرفتیم و به حزب دادیم این اتهام را می‌پذیرم."

و برای اینکه جای هیچگونه تردیدی باقی نماند، گفت:

"از هدف براندازی خیر نداشتم و من اتهام جاسوسی در مورد خود را اصلاً قبول ندارم."

استوار غلامعلی واحد در پاسخ به اصرار دادستان بار دیگر تکرار کرد:

"چون موقعیت شغلی من طوری بوده که به جبهه نمی‌رفتم، پس امکان ندا

که خبری از جبهه به مسئولم بدهم."

استوار یک نعمت علیخانی خطاب به حاکم شرع گفت، مسائلی که با دوست خود مطرح می‌کرده، مسائل جاری روز از جمله قرار بنی صدر بوده است. جم

موسوی در پاسخ به دادستان اظهار داشت، از وی خواسته نشده که گزارش

تا کنون نیز گزارشی نداده است. وی افزود که:

"در حوزه‌ها فقط مسائل سیاسی را بررسی می‌کردیم."

همه "متهمین" بدون استثنا "اتهام" "سیا" ساخته جاسوسی و براندا

رد کردند. در واقع در کیفرخواست دادستان آنچه به عنوان موارد جاسوس

شمرده شد نشانگر آن است که محافل قضائی، هیچ‌یک دلیل مقنع مشروص

اثبات اتهامات در دست ندارند. مثلاً دادستان، سرگرد هوائی صابر ظفر

کرده که گویا کتاب، تکرار می‌کنیم کتاب سیستم‌های جنگی الکترونیکی نیروی هوایی

حزب داده است. گرچه "متهم" این ادعا را رد کرده، با وجود این تکیه روی

"اتهام" می‌تواند اهمیت دادرسی را درج ۱۰۰ آن چنان که هست بر

سازد. وقتی می‌گویند "کتاب"، معنایش نوشته‌ای است که از طرف کس و یا ک

تنظیم و به شکل مجموعه‌ای برای استفاده علاقمندان منتشر می‌شود. انواع کتب

و مجلات اختصاصی از این قبیل در کتاب فروشی‌های سراسر جهان به فروش

آیا دادستان دادگاه نظامی به این حقیقت واقف نیست؟ وانگهی وی نمی‌داند

ایران دارای صنایع الکترونیک هوائی نیست و همه تجهیزات مشابه کنونی ایران

پیش از آمریکا خریداری شده و سری‌ترین آنها (نه برای ایران، بلکه برای

آمریکا) در جریان اوج نهضت انقلابی و روزهای نخست پس از انقلاب به کد

عمال آمریکا بایسم از ایران به مرستان سعودی و پاکستان انتقال داده شد و سرا

رژیم حتی جرئت بازگرداندن آنها را ندارند؟ مگر آقایان واقف نیستند که

اصطلاح اسرار نظامی ایران در هر زمینه، در درجه اول در دست ایالات مت

آمریکا است؟

آقای دادستان ناوسروان عباس‌هاشمی نژاد را متهم می‌کنند که گزارشی

مورد آسیب رسیدن به چند فرزند کشتی آذوقه را به حزب داده و با پی‌پروائی آن

جاسوسی می‌نماید. اگر دادستان بیدادگاه نظامی به اخبار رادپوی اسرائیل

بی‌بی سی و صدای آمریکا مراجعه کند، خواهد دید که چند ساعت پس از هر حلف

هوائی به ناوگان ایران، اخبار آن را در سراسر جهان پخش می‌شود.

در کیفرخواست گفته می‌شود محمد بهرامی نژاد در صدد بود، وقت کنیند، در صدد

بود یک نوع موشک خاص از نیروی زمینی را تهیه کرده و به حزب بیاورد. "متهم"

در رد این اتهام مضحک گفت که:

"هرگز از وی موشک نخواسته‌اند و آوردن چنین موشک‌هایی از ارتش امکان

نداشت."

انگار دادستان بیدادگاه‌های نظامی تصویری در باره موشک ندارد. چون د

کشور بلاکشیده ما سبک‌ها را بسنج و سگ‌ها را رها کرده‌اند، کسی نمی‌تواند

حکام شرع بپرسد: مگر موشک قوطی کبریت است که بتوان آن را در جیب گذارد و

پادگان بیرون برد؟

"مهم‌ترین" مورد جاسوسی که به سرهنگ عطاریان نسبت داده شده، این

که به گفته دادستان جریان طبرسم را به حزب خبر داده است. کیفرخواست هب

تنظیم شده انباشته از اینگونه اتهامات "جاسوسی" است، ما قضاوت در بسا

آنها را به عهده خود خوانندگان می‌گذاریم، فقط می‌پرسم:

آیا اینست مفهوم عدل اسلامی که سران ج ۱۰۰ این همه دربارش تبلیغ می‌کن

تفتیش عقاید

در اعلامیه کمیته مرکزی تصریح می‌شود:

"اکنون مردم ایران و جهان به خوبی می‌دانند، آنچه درج ۱۰۰ به پشت

محاکمه کشانده شده، عقاید و نظریات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعضا

توده ایران است."

این ارزیابی از جریان دادرسی ادعا نیست، بلکه مستند بر فاکت‌ها و دلایل

انکار ناپذیر است. برای اثبات این نظر باز هم به اطلاعات ناقص و دستک

زب توده ایران

روزنامه‌های مجاز مراجعه می‌کنیم.
 ناخدا یکم افضلی در دفاع از عقاید خود، چنین گفت:
 "در تحلیل‌هایی که برای خود داشتیم، برای فائق آمدن بر مشکلات مملکت و
 بردن جامعه به سوی عدل و قسط لازم وجود یک حزب چپ را ضرور می‌دانستیم،
 بنابراین با شعارهای مردمی حزب به راه حل مشکلات دست یابیم و خدماتی را به
 ارائه دهیم."
 منطبق ناخدا یکم افضلی روشن، بی‌پرده و برنده است. اوصیحا می‌گوید یگانه
 اهش "داشتن عقاید مترقی به قصد خدمت به مردم ایران است." پاسخی
 ستان چگونه بود؟ وی می‌گوید:
 "جمله‌ای که ایشان در رابطه با شروع فعالیتهای سیاسی‌شان در حزب... بیان
 ند، این بود که فساد و ظلم و جور و محرومیت را احساس و برای رفتن جامعه به سوی
 عدل لازم یک حزب چپ را برای مملکت ضروری تشخیص می‌دادم. این سوال مطرح است
 آیا فعالیت این نظام را می‌شناختید یا نمی‌شناختید؟ اگر نمی‌شناختید چگونه
 شدید فریاد کنید که برای هدایت جامعه به سوی تعادل، اینها می‌توانند کاری بکنند و اگر
 نمی‌شناختید، اطلاعات صحیحی که از جامعه شوروی در دست است که آنها هرگز در فشان
 ل عدالت و آزادی نیست."
 آیا پس از این اظهار نظر دادستان دادگاه نظامی، سران ج ۱۰ با اذعان
 بند کرده نظریات و عقاید حزب توده ایران را محال نمی‌کنند؟ دادستان با
 "جامعه شوروی" و تحریف بی‌محابای جهان بینی سوسیالیسم علمی بی-
 به وجود مبارزه ایدئولوژیک اعتراف می‌کند. ما در اینجا قصد نداریم وارد در
 ج جامعه شوروی شویم. دست آورد های عظیم سوسیالیسم به اندازه‌ای عیان
 که نیازی به تکرار ندارد. از اظهارات دادستان چنین برمی‌آید که اطلاعات
 ر باره جامعه شوروی از دایره تفسیرهای مغرضانه رادیکال و فاساد و بی‌سی
 ای آمریکا تجاوز نمی‌کند. ولی او قاعدتا می‌بایست از آنچه نظام ج ۱۰ برای
 پلانکسیده ما به ارمغان آورده اطلاع دقیق داشته باشد. مگر او نمی‌داند که
 فقر و بیگاری و بی‌خانمانی، زندان و شکنجه و قتل و گزافی و تورم و جنگ بی-
 جام و ورشکستگی اقتصادی مسترداف شده است؟
 هم‌اگر محذ انصاری با اشاره به پیروزی انقلاب و قطع دست‌آبادی امپریالیسم
 ار داشت:
 "در این زمان خود را به عنوان یکی از افراد جامعه موظف دانستم که در
 ت تحکیم و پیشبرد انقلاب، فعالیت کنم." به همین سبب او، راه حزب توده ایران
 گزید.
 سرگرد نیروی هوایی محمد رضا بهداد در تشریح انگیزه گرایش به حزب گفت:
 "قبل از انقلاب با آمریکایی‌ها کار می‌کردم و می‌دیدم که فرمانده مزدور من در
 ها اینز " که شاه دوم ایران بود، درجه تیمساری خود را گرفت چگونه عید و
 یک گروهی با آمریکایی بود و با من که یک افسر بودم برخورد و رفتار بسیار زننده
 ت. دفاع پیگیر و بی‌قید و شرط حزب توده ایران از استقلال سیاسی،
 ادی و نظامی ایران انگیزه پیوستن وی به صفوف حزب توده ایران است.
 کارآموز منوچهر ذوالفقاری با اشاره به فقر و محرومیتی که در زمان شاه مخلوع
 ل شده و بدین نتیجه رسیده بود که:
 "با پیوستن به حزب به انقلاب خدمت خواهیم کرد."
 سرگرد هوایی صابر ظفر حیدری در دفاع از عقاید خود اظهار داشت:
 "... من که در عشق عدالت اجتماعی می‌سوختم از شعارها و تحلیل‌های
 توده ایران خوش آمد و به همین علت جذب حزب شدم."
 علی‌اکبر میرزایی به درستی خاطر نشان کرده که:
 "من حق عضویت را نوعی خدمت به مردم می‌دانستم."
 پد:
 "حزب توده ایران پس از انقلاب با ارائه برنامه‌هایی باعث جذب جوانان مثل
 د."
 سرگرد باقر سامیر پس از تذکر این که خط حزب را جدا از خط انقلاب نمی‌دانست
 کرده که:
 "به این جهت حداکثر کوشش و فعالیت خود را می‌کردم چون فکر می‌کردم
 بی خود را یافته‌ام." او اظهار داشت، با دیدن محرومیت‌ها و رنج‌ها به

این نتیجه رسیده که مارکسیسم تمام اینها را بر طرف می‌زند.
 ستوان یکم اسدالله دریک وندی از جذابیت شعارهای اقتصادی حزب سخن
 گفت و مسطوفی و منوچهر ذوالفقاری عضویت در حزب توده ایران را برای دفاع از
 انقلاب ضرور شمردند.
 پاسخ دادستان در همه موارد بی‌انگیزه خصلت سیاسی جریان دادرسی بود. مثلا
 وی در جلسه ۲۱ دی ماه در رد دفاع "متهمین" از عقاید خود منطقی
 سخنی را مطرح ساخت و گفت: شما عضویت خود را در حزب توده ایران طرفداری
 از انقلاب ذکر کردید، در حالی که، مرام این حزب ضد اسلام است و این نمی-
 تواند انگیزه خدمت محسوب شود."
 بدینسان دادستان دادگاه‌های نظامی دانسته و یا ندانسته اعتراف کرده که
 آنچه به پشت میز محاکمه کشانده شده عقاید و نظریات حزب توده ایران است. و اما
 آنجا که وی مسئله "ضد اسلام" را پیش می‌کشد، آشکارا دروغ می‌گوید و سفسطه می-
 کند. حزب توده ایران یارها در اسناد و مدارک خود بی‌پرده اعلام نموده است،
 که نه با اسلام، و نه با هیچ مذهب دیگری دشمنی ندارد. احترام اکید به باورهای
 مذهبی مردم یکی از اصول اساسی هر حزب طبقه کارگر و از جمله حزب توده ایران
 است. آقای دادستان با طرح این مطلب سراپا کذب، طوطی وار آنچه رونمال
 ریگان می‌گوید تکرار می‌کند. و این تنها موردی نیست که دادستان همسان نظر
 با امپریالیسم تجاوزکار آمریکا دارد. همه می‌دانند که امپریالیسم آمریکا برای پیش
 جانیات خود علیه خلق‌های مظلوم استوار ماهیت میقت تجاوز کار خویش به تفسیر
 "مداخله شوروی" در امور دیگر کشورها تمویل شده و بی‌خود. دادستان
 نظامی در نخستین جلسه دادرسی، در متن کیفرخواست به پیروی از بلندگوهان
 امپریالیسم آمریکا به ارزیابی و طرح افکار مادیون در "جهان اسلام" و "فرهنگ
 و تمدن اسلامی" پرداخت و گفت:
 "... کودتاگرانی که در گذشته در تئوری مارکسیستی و لنینیستی انقلاب
 اجتماعی به طور رسمی مرد و دشمنه می‌شد، جای تمامی قانونمندی‌های امپریالیسم
 تاریخی را گرفته و جایگاه ویژه‌ای در استراتژی براندازی و مداخله گزایانه مسکو در
 جهان سوم یافته است."
 متن کیفرخواست دادستان ج ۱۰ در دادگاه نظامی بی‌اختیار متن سخن
 پراکنی‌های صدای آمریکا و رادیو اسرائیل و سخنان رونالد ریگان رئیس‌جمهوری
 آمریکا، کاسبار و این برگر رئیس پنتاگون، برژنسی و کیسینجر و غیره را در خاطرها
 زنده می‌کند. آقای دادستان به خوبی می‌داند که "کودتاگرانی" از ویژگی‌های
 امپریالیسم آمریکا است. مگر وی نمی‌داند که کودتای در شیلی، در گواتمالا، در
 هند و ژاپن، در هائیتی، در چاد و غیره را سازمان جهانی سیا سازمان
 داد؟ آیا او واقف نیست که همین سازمان جهانی در صد سرنگون ساختن حکومت
 های قانونی نیکار گرفته، کوبا، لیبی، اتیوپی، سوریه، کامبوج، لائوس و دیگر کشورهای
 "جهان سوم" است؟ او و همکارانش این حقایق را می‌دانند ولی ما هرگز و معذور
 آنها ما هر توجیه توطئه بی‌سابقه "سیا" علیه حزب توده ایران ند و به همین سبب
 حقایق را تحریف و وارونه جلوه گر می‌سازند. آنها ما هر "تیره" سیاست چرخش
 به راست هیئت‌حاکم ج ۱۰ هستند.
 آقای محمد کربکی در مقاله‌ای که در شماره ۱۷ دی ماه روزنامه "اطلاعات"
 منتشر ساخت ناآگاه گوشه‌ای از حقایق را فاش می‌سازد. او می‌نویسد:
 "از جمله مسائل که انقلاب اسلامی تاکنون با آن مواجه بوده، تمسک
 وابستگی به شرق و گام نهادن در مسیر وابستگی به شوروی بوده است. این
 تهمت بی‌دلیل مدام از سوی رسانه‌های تبلیغاتی فیسرب تکرار می‌شد و حتی بر این
 اساس به برخی از مسئولین انقلاب اسلامی نیز در این مورد اتهام وارد می‌گردید."
 چنین است محتوای توطئه "سیا". جنگ روانی "خطر کمونیسم" که
 "سیا" مبتکر آن بود و رسانه‌های گروهی غرب به آن دامن می‌زدند، هدف
 مشخصی داشت: جدا کردن ایران از متحد طبیعی آن اتحاد شوروی. این همان
 توصیه مشهور برژنسنکی به سازمان جاسوسی آمریکا و عطا امپریالیسم در ایران
 است، که همه مردم ایران و از جمله سران ج ۱۰ از آن باخبرند. آیا سردمداران
 رژیم که خود دست‌اندرکارند، نمی‌دانستند که در طریق به اصلاح وابستگی به
 شرق گام برمی‌داشتند؟ آیا آنها نمی‌دانستند که هر روز بیشتر کشور را به عرصه
 ناختم و تازانحصارهای امپریالیستی مبدل می‌ساختند؟ پاسخ روشن است.
 آنها به خوبی از آنچه پشت پرده می‌گذشت آگاه بودند. چرخش به راست در
 سیاست مستلزم "گام علمی" برای جلب نظر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم
 آمریکا بود. بی‌سبب نیست که آقای محمد کربکی می‌نویسد:
 "دستگیری سران حزب توده... بر دروغ‌های بافته شده به وسیله فریب‌ها
 خط‌بطلان کشید و به تمام معنا اصلت و حقانیت انقلاب را در مسیر نه شرقی غیبه
 فریبی به نمایش گذارد."
 در این که نویسنده "اطلاعات" سفسطه می‌کند تردیدی نیست. یورش به
 حزب توده ایران فقط و فقط یک هدف داشت و آن نزدیکی هرچه بیشتر به
 امپریالیسم بود. سران ج ۱۰ با چاه عمل پویشاندن به توطئه "سیا" اصلت
 نه شرقی و فقط فریب "سیاست ایران بر باد ده خود را به نمایش گذاردند."

در جمهوری اسلامی جان مردم ارزشی ندارد

افسر کلانتری ۲ تهران نیز، در صاحبچه ای در تاریخ ۴ اسفند ۶۱ می گوید "جلوی پنجره" خانه تان نرده بکشید، دزد گیر نصب کنید و در حفاظت خانه های خود بکشید."

این بی توجهی مسئولین انتظامی به زندگی مردم و عدم احساس مسئولیت در قبال جنایات یا تصادفاتی که منجر به مرگ دسته جمعی مردم می شود، نیست. جان مردم در جمهوری اسلامی ایران بی ارزش شده است. فقر، گرسنگی، بیکاری و ترس از فردا، که شرارت خود بخودی پیحسران اقتصادی - اجتماعی حاکم بر میهن ماست، ملامت اصلی این جنایات است. فقر، زاینده فساد است. زمامداران کنونی ایران، به هیچکدام از وعده های خود برای بهبود زندگی مردم، برای از بین بردن اختلافات طبقاتی و برقراری عدالت اجتماعی وفا نکردند. امروز می توان همان دزد های زلمن شاه را، در لابلاي روزنامه ها پیدا کرد. در سال ۱۳۵۰ روز نیم آذر، "ایران نوین" ارگان حزب شاه ساخته نوشته بود "مردم جنوب شهر همان مالیات را می دهند که شمال شهری ها میپردازند ولی آیا جنوب شهر یا شمال شهر را میتوان بسا هم مقایسه کرد." حالا هم روزنامه اطلاعات در شماره ۱۴ تیرماه خود می نویسد "یکنفر از ساکنان جنوب شهر می گوید در حالیکه کودکان مادر خود را یک لیوان آب صرفه جویی می کنند، شمال شهر هم باغچه های بزرگ زینتی خود را با آب لوله کشی آبیاری می کنند، ماشینهای خود را می شویند و هر روز استخرهایشان را پر و خالی می کنند."

"ایران نوین" در اول اسفند ۵۰ نوشته بود "حالا که قیمتها را نمی توانید پائین بیاورید، لااقل از بالا رفتن آن جلوگیری کنید" و "باید با گرانی محتکران و دلانها مبارزه شود" (سیسی آبان ۱۳۵۰) اطلاعات نیز در ۲۲ خرداد ۶۲ می نویسد "گرانی واحتکار" فریاد ملت را بلند کرده است. "ایران نوین" در ۱۲ اردیبهشت ۵۰ نوشته بود "ولگردها را از خیابانها جمع کنید" حالا هم اطلاعات در ۲۸ تیرماه ۶۲ خپ می دهد که "در میدان هاشمی، عده ای بیکار موجب راه بندان می شوند." چنانکه دیده میشود منظره همانست که زمان شاه بود. گرانی، بیکاری و فقر برای اکثریت مردم و تجمل، باغبهای زینتی ویلاهای بزرگ و ماشینهای متعدد برای "شمال شهرها"

دستگاههای انتظامی کشور، به جای حفاظت از مردم، به جای نظارت بر اجرای قوانین را نندگی، به جای مبارزه با دزدان و آدمکشان، تفرقه جویی خود را صرف سرکوب حزب توده، ایران و کارگران زحمتکشانی می کند که حق خود را می طلبند. حتی در مجلس گفته شد که برخی از کارگزاران جلوی کارگران دیگر شلاق زده اند (اطلاعات ۵ مرداد ۶۲).

و عده های مروزی حاکمان ج ۱۰ نیز، هر چه بیشتر عده های انقلاب سفید شاه شباهت می یابد

این قربانیان بی گناه را باید بر تعداد بی شمار کسانی که پای دیوارها اعدام می شوند، یا زیر شکنجه جان می دهند و یا پیش از همه در جنگ خانان سوز و بیهوده ایران و عراق طعمه تپهها و تانکها، بمبارانها و موشک اندازیهایی کردند اضافه کرد.

کشور ما بعد از انقلاب به جای شکوفایی به گورستان تبدیل می گردد.

دو زن جوانی که در ارومیه، دو دختر ۴ ساله خود را برای نام نویسی به مدرسه می برند خودشان و دخترهایشان به دست سزایدار و همکارش کشته می شوند. افسر آگاهی ارومیه با بی تفاوتی می گوید "چندی قبل در همین مدرسه، زنی را می خواستند بکشند که با سیخ و داذ از دست جانیان خود فرار کرد" (اطلاعات ۱۷ مرداد ۶۲).

در تهران رئیس کلانتری می گوید "قاتل فراری، زمان شاه به علت قتل زندانی بود، ولی بعد بعد از انقلاب فرار کرد" (اطلاعات ۸ مرداد ۶۲).

روزی نیست که در صفحات جراید کشور ما به خبرهای کوتاهی که از کشته شدن عده ای بی گناه حکایت دارد، برخوردیم. در اثر خفگی گاز ۱۰ نفر نابود می شوند، در برخورد مینی بوس با اتوبوس سی نفر می میرند، چند نفر از ساختمان پلاسکو و ساختمان شرکت تلفن خود را به زمین پرتاب می کنند و به زندگی پرنج خود پایان می دهند، کامیونی اعضای یک خانواده را که کنار جاده دراز کشیده اند، زیر چرخهای خود لسه می کند، مردی دو وزن را با گلوله می کشد، ۲ دختر شانزده ساله را سر می برند، اسکلت دختر بچه چهار ساله ای کشف می شود و بالاخره قاتل فراری زمان شاه، یکنفر را می کشد. اینها برگزیده ما خیری است که فقط در چند شماره اطلاعات چاپ شده است. این قسمت ناسازگاری از مرگ و میر زود رس هموطنان ماست که گوشه و کنار کشور ما رخ می دهد و مسئولین امر، بی اعتنا از کنار آن عبور می کنند.

نقش مسئولین جدید وزارت کار

می دهد. کارنامه نزدیک به شش ماه تصدی این مسئولین جدید در وزارت کار، حاکی از آن است که در واقع خطوط اصلی سیاست های ضد کارگری توکلی، زیر پوشش این چهره ها به اجرا در می آید. این خطوط اصلی عبارت اند از:

- تبلیغ سازش طبقاتی جهت جلوگیری از رشد آگاهی طبقاتی کارگران؛
- دفاع از کارفرمایان در گفتار و به ویژه در کردار
- تشدید سیاست مسخ تشکل های فنی و جلودگری از تشکلی سازمانهای صنفی مستقل کارگری؛
- ادامه سیاست تدوین قانون کار پشت درهای بسته؛
- امتناع از پذیرفتن خواسته های به حق کارگران؛
- تأکید اخراج های وسیع کارگری در عمل؛
- رد کردن خواست اضافه دستمزد؛
- امتناع از انجام طرح طبقه بندی مشاغل؛
- اجرای تشدید سیاست طبقاتی کردن بیمه کارگران به ضرر کارگران؛
- عدم اجرای هیچگونه برنامه آموزشی و حرفه ای پیشرفته و انجام طرح ارتجعی "استعداد و شاگردی" به جای آن.
- در دیگر عرصه های مشکلات و مسائل کارگری چون سوانح صنعتی، بازنشستگی، کارزندان و کودکان و ... نیز همان محتوای سیاست های ضد کارگری توکلی در اشدال نوین تداوم یافته است.
- در چنین شرایطی کارگران حق دارند سئوال کنند: مسئولین جدید وزارت کار، چه چیز تازه ای برای ما به ارمغان آورده اند؟

پس از اوج گیری مبارزات وسیع و همه جانبه طبقه کارگر که سیاست های خشن ضد کارگری طرفداران کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را بسا شکست مواجه کرد، اقدامات کارگستیزانه رژیم، به مرحله جدیدی پا گذاشت این مرحله بسا سرکوب شدید و خونین حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران و دیگر سازمانها و نشریات کارگری شروع شد.

قدم بعدی در این مرحله، تعویض چهره خشن و رسوا شده توتلی با چهره های "ظاهرا اصلاح" دیگر بود. از این روست که افرادی چون سرحدی زاده، کمال گنجهای، محمد سلامتی و ... عهده دار پست های رهبری وزارت کار می شوند.

وظیفه این گروه، اجرای رهنمود های تبلیغاتی حاکمیت، جهت سرگرم کردن کارگران و جلب اعتماد آنها است تا رژیم بتواند سیاست های ضد کارگری خود را، که در اصول کلی خود مشابه سیاست های ضد کارگری توکلی است، در قالب های قابل قبول عرضه کند.

در همین رابطه رابطه رئیس جمهور در دیدار اخیر خود با اعضای شورای مرکزی خانه کارگر، از "لزوم انجام کارهای فرهنگی و تبلیغاتی برای کارگران" سخن گفت و هشدار داد که:

"مسئولین باید با تبلیغات صحیح آنان را از گرایشات انحرافی ... مصون دارند." به همین منظر، مسئولین جدید وزارت کار مرتب به شهرهای مختلف سفر می کنند، مصاحبه پشت مصاحبه ترتیب می دهند و با ابراز نظریات در تمام زمینه های تظاهر می کنند که گویا در شم کارگران اند. اما واقعیت خلاف آن را نشان

پیرامون انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

بقیه از صفحه ۶

(۳ آذر ۶۲) در تفسیر اظهارات آقای منتظری پیرامون "افراط نکردن در تشریفات حفاظتی و ساده زیستن" اظهار داشت:

"ما روحانیون قبل از انقلاب در منبرها و سخنرانیها به مردم گفته ایم که حضرت امیرالمؤمنین در دوران حکومت بی ریا، بی تکلف و در بین مردم بوده ... و اکنون مردم منتظرند که ببینند آیا همان کسانی که مدعی این حرفها بوده اند و حالا در رأس حکومت قرار گرفته اند، عامل این حرفهای خودشان هستند یا نیستند."

چنانکه می بینید خانه از پای بست و سران است ... پنج سال زمان کافی برای ارزیابی اعمال حکام ج ۱۰ است ... مردم در پهنه عمل مشاهده کرده اند، که حکام جدید پای بند وعده های خود نیستند و اعتقادات توده ها مدت ها است زیر سؤال قرار دارد ...

وی در ادامه کلام می گوید: "مستولی که غذایش با غذای مردم فرق می کند و نه در صف نان و نه در صف گوشت و نه در صف آتوس هست، خواه ناخواه نمی تواند مردم را درک کند."

زندگی در کاخ و زندگی در محل رفاه، اثر موضعی اثر اینست که او را بی خبر از جامعه می کند و مردم را نسبت به او منزوی می کند ... و بالاخره فساد در جامعه ایجاد می شود ...

ظلم منزوی شدن سران ج ۱۰ در زمان و انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی و گسترش فساد را هم باید در لابلای اظهارات با احتیاط آقای محسن رها می بیناوی کرد ... وی نیز اعتراف می کند که سران ج ۱۰ هم پا جای پای هزار فامیل ساکنین کاخ ها گذاشته اند ...

چه کسانی حق انتخاب شدن دارند؟

آقای جنتی در خطبه نماز جمعه قم اعلام کرد:

"انتخابات از مسائل بزرگ کشور ما است ... مسئله مجلس اگر درست شد می توان تمام شئون را کم و بیش درست کرد و اگر آنها خراب باشد همه جا خراب خواهد شد" (جمهوری اسلامی ۱۲ آذرماه ۶۲)

حق با آقای جنتی است ... علت اینکه پس از گذشت سه سال کشور در منجلاب فقر و قیلاکت و بیکاری و گرانی و بی خانمانی، و احتکار فرورفته، وجود "مجلس خرابی" است، که اکثریت نمایندگان آن را حزب ج ۱۰ تعیین کرده بود ... و امروز هم همان حزب که در مرکز رهبریش یازگنان کلان و صاحبان سیم و زر فرمان روایی می کنند، در صدد است عاملین خود را دوباره از صندوق ها بیرون آورد ... تشکیل سینار فرمانداران و بخشداران، سمینار شورا های ائمه جمعه استانهای کشور و دیگر جلسات آشکار و پنهان با شرکت مهره های درشت رژیم فقط یک هدف را تعقیب می کنند: ادامه سیاست ایران پر بادده حزب ج ۱۰ در مجلس و دولت ...

آقای خامنه ای دبیر کل حزب و رئیس جمهوری در سمینار فرمانداران و بخشداران درباره آزادی انتخابات گفت:

"این یک شعار توخالی نیست ... این یک کار جدی است ... ما امروز داریم در میان برادرانی که در زمینه مسائل نامزدهای انتخاباتی کاری کنند، جدا تلاش می کنیم که مسئله آزادی تا آنجائی که به تعیین کنندگان نامزدها مربوط است، تأمین شود" (اطلاعات ۱۲ دی ماه ۶۲)

رئیس جمهوری آزادی انتخابات را به آزادی تعیین نامزدها و یا به بیان روشن تر آزادی تقسیم کرسی های دوره دوم مجلس شورای اسلامی بین هواداران "خط" ها و "طیف" های گوناگون محدود می کند ... درست به همین دلیل در اعلامیه مشترک گفته می شود، رژیم "خود را آماده

می سازد تا با حره ارباب و تهدید، با استفاده از اعتقادات پاک مذهبی و با توسل به تقلب و تحویف سند وقهای انتخاباتی به فهرست تحمیلی و انتصابی رنگ انتخابی بزند ..."

در سمینار شورا های ائمه جمعه، سخنرانان مسئله "ضرورت دخالت در انتخابات را آشکارا مطرح کردند ... حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از جمله گفت:

"در مورد انتخابات کسانی باید انتخاب شوند که مسائل اساسی را فراموش نکنند، تریبون مجلس جای خطرناکی می باشد ... ما امروز باید از گذشته عبرت بگیریم و رسماً در انتخابات دخالت کنیم ... (اطلاعات ۲۲ آذرماه ۶۲) ..."

این اظهار نظر رئیس مجلس شورای اسلامی نیازی به تفسیر ندارد، فقط باید دید دخالت رسمی در انتخابات هدفش چیست و چه کسانی باید از تریبون مجلس استفاده نکنند ... آقای جنتی می گوید "گروه های چپ"، یعنی انقلابیون واقعی و نیروهای ملی و مترقی نباید به مجلس راه یابند (اطلاعات ۱۰ آذرماه ۶۲) ... در این صورت آقای رئیس جمهور چه کسانی را به عنوان نامزد تعیین می کنند؟ آقای خلخالی به این سؤال چنین پاسخ می دهد:

"در باره انتخابات می خواهم بگویم مسئله خیلی حساس است، بعضی ها هستند نمی دانم چه دارند که بعضی ها را منفی می کنند و بعضی ها را مثبت نم نوری از بعضی ها داریم که آنها را مثبت حساب کردند، در سال ۵۶ دعا به اعلیحضرت می کردند و تازه دعا را هم توجیه می کردند، آقایان یک قدری دقت کنید ... آنها جا نورانی هستند که ۱۸۰ درجه تغییر جهت می دهند ... (کیهان ۱۹ آذرماه ۶۲) ..."

دوره دوم مجلس شورای اسلامی انباشته از این گونه "جانوران" خواهد شد ... آیا آقای خامنه ای باز هم خواهند گفت که آزادی انتخابات "یک شعار توخالی نیست؟ در کشوری که ابتدائی ترین حقوق و آزادی های دموکراتیک شهروندان زیر پا گذاشته شده و سر نیزه زندان و شکنجه و مرگ حکمروائی می کند، سخن از آزادی انتخابات به میان آوردن آب در فرمال کردن است ... در اعلامیه مشترک خاطر نشان می شود:

"دادن رأی مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰ به معنای نفی سیاست های ارتجاعی ج ۱۰، به معنای پایان دادن به جنگ ایسران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان، به معنای خواست آزادی دهها هزار انسان بی گناه دربند، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعدام میهن دوستان، به معنای طرد عمل امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت و بالاخره ردا ز پیش قوانین ارتجاعی و ضد مردمی است، که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صدد تدوین و تکمیل آنند ..."

ما اعتقاد راسخ داریم، که همه نیروهای ملی و مترقی و ضدامپریالیستی در این راه گام بر خواهند داشت ...

سه جنبه سیاست ضد کارگری رژیم

"وجه المله": محمد سلامتی معاون وزیر کار در دیدار از کارخانه ارج، کارگران را به تولید بیشتر تشویق می کند و به آنها وعده می دهد که قانون کار تدوین شده، مدافع حقوق شان خواهد بود ...

سیاست تبلیغات ضد کمونیستی

سیاست تبلیغات ضد کمونیستی، مکل سیاست های ضد کارگری رژیم است ... در مراسمی که به مناسبت سالگرد انقلاب در کارخانه هیگسودر اراک برگزار شد، فیلم ضد کمونیستی "اعتراف" برای کارگران به نمایش درآمد ... حسین کمالی نیز در مراسم مشابهی در شهرک صنعتی البرز، بخش مهمی از سخنان خود را به تهمت و افترا به اتحاد شوروی اختصاص داد ...

سیاست سرکوب کارگران

سیاست سرکوب کارگران با استفاده از سرکوب گسران با سابقه: در شرایط اوج گیری اعتراضات کارگران گیلان، از جمله در کارخانجات ایران - رشت، توشیا، چونکا و ... حجت الاسلام ایمانی به سرپرستی اداره کل کار و امر اجتماعی این استان منصوب می شود ... او در سال ۱۳۶۰، عامل کشتار جوانان انقلابی بهشهر بود ... در سال ۱۳۶۱، با سمت حاکم شرع دادگاه انقلاب مستقر در وزارت کار، کارگران حق طلب را در زیر زمین این وزارت خانه زندانی می کرد و وزیر شلاق می گرفت ...

سیاست عوام فریبی

سیاست عوام فریبی تحت پوشش چهره های

دز هفته ای که گذشت:

پیمانهای نظامی، ابزار سلطه جویی امپریالیسم در منطقه

امپریالیسم آمریکا، هم زمان با جنگ اعلام نشده علیه مثل منطقه، می کوشد با تشکیل پیمان های نظامی گوناگون، حلقه های زنجیر کمربندی اعمال قدرت خویش را تکمیل کند.

در هفته گذشته، خبرگزاری های کشورهای غربی اعلام کردند عربستان سعودی و سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از ترکیه خواسته اند که به " شورای همکاری خلیج " بپیوندد. و بدین طریق با بهره گیری از عضویت ترکیه در این " شورا " حیطه فعالیت پیمان تجاویز کار ناتو را به خلیج فارس بکشاند. لازم به یاد آوری است که " شورای همکاری خلیج " با کوشش و نظارت امپریالیسم آمریکا بوجود آمد و هدف از تشکیل آن چیزی جز بر آوردن مقاصد آزمندانه و حفظ " منافع حیاتی " امپریالیسم آمریکا نبوده و نیست!

امپریالیسم آمریکا با فروش جنگ افزارهای پیشرفته و گسیل نیروهای مسلح به عنوان مستشاران نظامی، به تقویت این حکومت های ارتجاعی می پردازد. تا جنبش های رهایی بخش و حق طلبانه منطقه را با توسل به زور و اسلحه و کمک این نیروها سرکوب کند. از همین رو، امپریالیسم آمریکا می کوشد از بد و تشکیل این " شورا " دامنه آن را گسترش دهد و سایر کشورها را نیز به این پیمان نظامی جلب کند.

حکام ج ۱۰ نیز که آرزوی ژاندارمی منطقه را در سر می پروراند، چندی پیش از زبان آقسیای موسوی، نخست وزیر در مصاحبه ای با مجله کویتی صوت الخلیج، تقاضای شردت در این " شورا " را چنین بیان کرده اند:

" این طرح کامل نمی شود، مگر اینکه ج ۱۰ به عنوان مهم ترین و قوی ترین کشور منطقه در آن مشارکت داشته باشد. " (اطلاعات ۱۴ شهریور ۱۳۱۲)

به دنبال احیای پیمان عمران منطقه ای (آر - سی - دی) و پی ریزی دوباره پیمان تجاویز کار سنتوبه وسیله ایران، ترکیه و پاکستان، اینک با دعوت از ترکیه، عضو پیمان ناتو، همکاری امپریالیسم آمریکا و دوست ج ۱۰: ۱۰ گام دیگری برای تقویت نظامی " شورای همکاری خلیج " برداشته شد.

دم خروس یا قسم حضرت عباس

در هفته گذشته، محبت الاسلام بجنوردی پیرامون رفتار ج ۱۰ با " مرتدین فطری " از جمله " مارکسیست ها " گفت:

" ج ۱۰ به خاطر رأفتی که دارد، کسی را

به جرم مرتد فطری بودنش مجازات نمی کند، مگر اینکه با محارب بودنش ملازم داشته باشید " (اطلاعات ۱۵ بهمن ۱۳۱۲)

این سخنان هنگامی بر زبان آقای بجنوردی جاری می شود که سرکوب خونین هزاران توده های فدائی و صدها مبارز دیگر ضد امپریالیست و دگر اندیش به مرحله اجرا درآمده و احکام جابرانه بیدادگاه های نظامی ج ۱۰ در مورد افسران میهن دوست و برخی از اعضا " حزب توده " ایران به مرحله اجرا گذاشته می شود. وهم اکنون در شهرهای تبریز و بوشهر و شاهرود و رشیت و لاهیجان و کرمان و شیراز و سایر شهرهای ایران محاکمات فرمایشی آنان، بر طبق " دستورالعمل های ارسالی " آغاز شده یا ادامه دارد و حتی در بسیاری از موارد احکام این بیدادگاه ها صادر هم شده است.

این واقعیت دیگر بر کسی پوشیده نیست رهبران ج ۱۰ می کوشند با داغ و درفش و شلاق و شکنجه های جسمی و روحی و برهائی بیدادگاه های نظامی درست و صدور احکام ضد قانونی اعدام و تیرباران و زندانهای طویل المدت، مدافعان انقلاب و مردم را به منظر رسیدن به اهداف خیانت بار خود در پیشگاه امپریالیسم قربانی کنند. در این هفته نیز، سازمان عقوبت بین المللی ضمن انتشار بیانیهای، دولت ایران را به خاطر سر برگزاری محاکمات غیر عادلانه، شکنجه و اعدام های بی رویه، مخالفان خود محکوم کرد و گزارش داد در زندانهای ایران از اعمال هیولانه شکنجه ای فروگذار نمی شود.

به رغم این واقعیت و اعتراضات گسترده احزاب، سازمانها و مردم مرفقی جهان، کشور ما همچنان به صحنه محاکمه دگراندیشانی بسدل شده است که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی فعالانه مبارزه کرده اند و از ایثار جان خود نیز دریغ نداشته اند.

مردم ایران و جهان این قسم های آقای بجنوردی را مدتهاست که باور ندارند و به خوبی می دانند هزاران زن و مرد و پیر و جوانی که در سیاه چالهای اوین و کمیته مشترک و قزل قلعه و قزل حصار و صدها زندان دیگر مورد " پد بیلی " قرار می گیرند، تنها به " جرم " داشتن عقاید سیاسی متفاوت با هیأت حاکمه است.

افتخار به خیانت

بهزاد نبوی، وزیر صنایع سنگین در يك مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی از این که دولت متبوعی به پیروی از سیاست " نسه شرقی " بلکه فقط غریبی " حاکمیت، " تلاش می - می کند روابط ایران و شوروی را در زمینه " صنایع سنگین کاهش دهد و آلمان فدرال را به عنوان بزرگ ترین شریک خارجی ج ۱۰ " در این بخش قطعی سازد، ابراز خوشحالی کرد و گفت:

" کشور ما در حال حاضر روابط چندانی با

دولت شوروی در مورد صنایع سنگین ندارد. زمینه این همکاری ها نیز در آینده مشهود نیست. ۰۰۰ تلاش دولت ج ۱۰ نیز در جهت کاهش این ارتباطات می باشد ۰۰۰ (اطلاعات ۸ بهمن)

آقای وزیر صنایع سنگین البته بر سر این واقعیت هم تأکید کرد که:

" در مورد ذوب آهن نیز، این واحد در رایته توسط شوروی طراحی و به اجرا درآمد ۰۰۰ " ولی یادآور شد که دولت شوروی، بر سر نصب این صنعت مادر، حتی يك ریال هم از این مللکت دریافت نکرد و تمامی این پروژه " عظیم را در ازای گازی که از ابتدای استخراج نفت در کشور ما سوزانده می شد و اکنون نیز از برکت سیاست های خائسانه " سران ج ۱۰ سوزاند می شود و به هدر می رود، تکمیل کرد و برای بهره برداری آماده ساخت.

در عوض، آقای وزیر از جان نشین غریبی " شریا بازرگانی خارجی " دولت متبوعی با افتخار سخن گفت و تأکید کرد:

" در حال حاضر آلمان فدرال، بزرگترین شریک بازرگانی خارجی ج ۱۰ در بخش صنایع سنگین است " و از آن جا که خود آقای وزیر، به خصوص می داند سرشت روابطی که چنین شرکایی با کشورهای نظیر ایران برقرار می کنند، غارتگرانه اسارت بار است و در برابر کمترین " کمک " فتن و صنعتی خود بیشترین سهم را از " ثروت های خدادادی " میهن ما می طلبند، آنان را مطمئن می سازد و به سهم خود، تأمین " منافع " امپریالیست غرب را تضمین می کند:

" وضع ما با بسیاری از کشورهای انقلابی دیگر متفاوت است. ایران کشوری است که به حجم عظیمی از صادرات نفت و ثروت های خدا دادی، به عنوان کشور ثروتمند مطرح می باشد. " در واقع باید گفت برای کسانی که می گویند: " اقتصاد ایران، قبل از انقلاب، به مقدار زیادی وابسته به کشورهای سلطه گریده است، نمی توان با قطع صد در صد واردات، نیازهای کشور را بر طرف کرد. "

یعنی از تزلیلیالی " چون وابسته بودیم باید وابسته بمانیم! " طرفداری می کنند، " افتخار به خیانت "، زیر پوشش شعار " نه شرقی، نه غربی " چندان حیرت آور نیست!

"خانه تکانی"

به سود بخش خصوصی..

سید مهدی طباطبائی، به دنبال اعلام " خانه تکانی " در بنیاد مستضعفان، چوب حراج امول این بنیاد را به صدا در آورد در مصاحبه مطبوعاتی هفته گذشته، خود گفت:

" مزارع کوچک و کارگاه های تولیدی کوچک به مردم و بخش خصوصی واگذار خواهد شد " (کیهان ۱۸ بهمن)

ناگفته پیداست، احتساب " مردم " در کنار بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

"بخش خصوصی" به عنوان کسانی که مزارع و کارگاه ها به آنان واگذار می شود، تنها پوشش شرعی "ای است که آقای طباطبائی می گویند بر روی سیاست های ضد مردمی و خائنانانه ج ۱۰ بکشد. وگرنه این واقعیت دردناک که مردمی که حتی توان تأمین ضروریات معیشتی خود و خانواده خود را ندارند، هرگز قادر نیستند در این میدان با "بخش خصوصی" به رقابت برخیزند، روشن تر از آن است که کتمان پذیر باشد.

آقای طباطبائی در همین مصاحبه، آمار ناقصی از "اموال" این بنیاد را هم ارائه می دهد که عبارتست از:

"۷۰ میلیارد تومان زمین های موات و زمین شهری ۵۰۰ میلیون تومان زمین هایی که به هیأت هفت نفره تحویل داده شده و یا خواهد شد، ۹ میلیارد ها تومان ساختمان و دیگر اموال، ۹ شرکت هواپیمایی و صد ها شرکت ساختمانی و بازرگانی ۱۴۰۰۰۰ شرکت پیمانکاری ساختمانی و ۲۰۰ کارخانه، ۵۰ معدن کوچک و بزرگ، ۵۰۰ واحد تولیدی و ۲۰ هزار واحد مستغلات ۰۰۰ و در عین حال مقدار قابل توجهی طلا و جواهر داریم که باید در خدمت مستضعفین قرار دهیم و مقدار زیادی عتیقه موجود است که در تهران به معرض نمایش گذاشته خواهد شد" (اطلاعات ۱۷ بهمن)

سرپرست بنیاد مستضعفان همچنین اضافه می کند:

"تقریباً ۱۵ درصد صنایع کشور، توسط بنیاد اداره می شود. ۰۰۰"

البته این آمار، تنها بیانگر گوشه کوچکی از اموال بنیاد مستضعفین است ولی همین قدر هم کافی است تا میزان سودی که بخش خصوصی، پس از "خانه تنانی" بنیاد مستضعفین به جیب می زند، روشن گردد!

روستائیان از محکومین بدترند

مهاجرت روستائیان از زمین رانده به شهرها، همچنان به عنوان يك "معضل لاینحل" در مقابل دولت ج ۱۰ باقی مانده است. سسر-مداران ج ۱۰ برای مهار کردن آن تنها به شیوه "تهدید و ارعاب و متهم کردن روستائیان، به عنوان عاملان اصلی" به وجود آوردن این وضع" بسنده می کنند و در مقابل با تصویب و اجرای لوایح و مواد "واحد" و "پشتیبانی مسلحانه از "خان های به وطن بازگشته"، به گسترش و خامت اوضاع یاری می رسانند.

محمد بنی حبیبی، شهردار جدید تهران در این رابطه می گوید:

"در يك بررسی که در استانداری تهران انجام دادیم، به طور مقدماتی متأسفانه آماري به دست آمد که روزانه حدود ۱۵۰۰ نفر مهاجر جدید وارد مناطق ۲۰ گانه شهر تهران می شود. اگر حواشی شهر تهران را نیز به ایسن اضافه کنیم، رقم سرسام آوری خواهد بود که ایسن

رقم پشت هر کسی را می تواند بلرزاند" (کیهان ۱۵ دی)

البته این آمار که "به طور مقدماتی" به دست آمده، تنها به مناطق ۲۰ گانه شهر تهران اختصاص دارد و روستائیان که به حواشی و مناطق مختلف شهرهای دیگر ایران مهاجرت می کنند، در بر نمی گیرد.

در مصاحبه آقای شهردار، هم چنین، جای بررسی علل و انگیزه های روستائیان برای مهاجرت خالی است. ولی هم ایشان و هم سیاست گزاران رژیم به خوبی می دانند چرا "هفت روستای ابر در ماه های اخیر به کلی از سکنه خالی شده است" (کیهان ۱۵ آذر)

رئیس جمهور آگاهانه و برخلاف آنچه که خود می داند، عامل اصلی این مسئله را شیفتگی روستائیان در مقابل "زرق و برق شهر" معرفی می کند. وزیر کشور، برای ریختن آب تظهير بر روی عوامل واقعی "فساد اخلاقی" که ریشه در فساد دستگاه حاکمیت ج ۱۰ دارد، دهقانسان را "یکی از علل فساد اخلاقی" می نامد و اخیراً آیت الله جنتی، امام جمعه موقت قم روستائیان را از محکوم و زنا کار هم "بدتر" شمرده است و می گویند زندگی پر درد روستائیان را باز هم تلخ تر سازد. وی می گوید:

"يك روستائی برای اینکه يك قدری آن رفاه مورد نظرش را در روستا نی بیند، راه شهر را در پیش بگیرد ۰۰۰ این گناه است ۰۰۰ و بسا هیچ گناه معمولی قابل قیاس نیست. از شراب خوردن، زنا کردن، احتکار و از همه اینها بدتر است ۰۰۰" (کیهان ۱۵ بهمن)

ولی واقعیت چیز دیگری است. علل تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها را باید از جمله در ماده "واحد" مصوبه مجلس در ارتباط با موقوفات جستجو کرد که بر اساس آن نزدیک به يك میلیون هکتار از اراضی صاحب نسق از روستائیان کم زمین باز پس گرفته می شود (کیهان ۱۴ بهمن)

واقعیت را باید از شکوائیه اهالی روستای داشلی درق که می نویسند:

"فقدال معروف منطقه ما ۰۰۰ در حال حاضر دوباره سرو کله اش پیدا شده و ۲۰ هکتار زمین جوانه زده ما را زیر و رو کرده ۰۰۰" (اطلاعات ۵ دی) دریافت.

واقعیت را باید از خلال نامه موسوی اردبیلی، که "مزاحمت" روستائیان، آرامش ایشان را بر هم زده است، بیرون کشید:

"آنها (روستائیان) روزی ۵۰-۶۰ نفری مراجعه کرده و از ما زمینشان را می خواهند و بالاخره اینها مزاحم ما می شوند ۰۰۰" (کیهان ۳ بهمن)

همین واقعیت ساده و روشن است که سرانجام حکم قطعی خود را در مورد کسانی که نادیده اش می گیرند، صادر خواهد کرد.

بحث طلاق، هنگام ازدواج!

کوشش حکام ج ۱۰ در توجیه نابرابریها و قوانین ظالمانه حاکم بر سرنوشت زنان میهن ما، داستان عذر بدتر از گناه را به خاطر می آورد.

حجت الاسلام مقتدای، عضو و سخنگوی شوراي عالی قضائی در يك مصاحبه رادیو تلویزیونی اظهار داشت:

"۰۰۰ قرار شد هرگاه طلاق به خواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظائف همسری و سوء رفتار یا مرد نباشد، بر طبق قرار قبلی ما زوج موظف است حداکثر نصف دارائی موجود خود را که در ایام زناشویی به دست آورده به زوجه منتقل نماید" (اطلاعات ۶ بهمن ۶۲)

حال زنی که همسرش به طور يك جانبه تصمیم به طلاق دادن او گرفته و حتی اطلاع از قصد جدائی شوهرش برای او ندارد، چگونه می تواند عدم تخلف از انجام وظائف همسری و حسن رفتار خود را در دادگاه ثابت کند، مسئله اصلی نیست، زیرا آقای مقتدای می افزاید:

"این شق در مسودوی اعتبار دارد که در حین انجام عقد نکاح مطرح و به امضای هر دو نفر رسیده باشد. و از علما و فضلا و سردفتران می خواهد تا قبل از اجرای عقد، شرایط را بسبب طرفین تفهیم نمایند و تذکر دهند که توافق بر شرایط مندرج در عقد نامه الزامی نیست!

طبق قوانین ارتجاعی ج ۱۰ پدران در مورد ازدواج دختران نشان تصمیم می گیرند و عقد صورت رضایت و اجازه آنان صورت می گیرد. بدیهی است زنانی که از حق تصمیم گیری مستقل در مورد زندگی و سرنوشت خود محرومند، قادر به تحمیل شرایط طلاق، آنهم در لحظه جاری شدن عقد، نخواهند بود.

با توجه به آداب و سنن جامعه ما، سن پائین ازدواج دختران در ایران و عدم استقلال اقتصادی آنان، طرح این مسئله حتی برای خانواده دختر نیز مقبول نیست. بدین ترتیب، حکام ج ۱۰ حقی را که زنان در اثر مبارزات گذشته خود به دست آورده بودند و پس از انقلاب پایمال شده بود به ظاهر با يك دست به زنان پس می دهند و با دست دیگر باز می ستانند.

تصحیح وپوزش

متأسفانه در شماره پیش "راه توده"، چند اشتباه چاپی و فنی رخ کرده که با پیوسته از خوانندگان خود، خواهش می کنیم آنها را به صورت زیر تصحیح کنند:

خط دوم از پارگراف دوم صفحه ۴ ضمیمه راه توده (ویژه زنان): "بحران اقتصادی، تویم، احتکار، کمبود مواد اولیه، هزینه های سرسام آور زندگی ۰۰۰"

سطر ۲۸ ستون دوم مقاله "کارنامه سیاه حاکمیت ج ۱۰ در پنجمین سالگرد انقلاب بهمن": "سرماچه اران ایران از جمله در سال ۶۱، ۲۸ میلیارد تومان سود خالص داشته اند ۰۰۰"

پارگراف آخر ستون دوم صفحه ۱: "مجتبی فولاد اهلواز استخدام می کند ۰" در بالای همین ستون به چاپ رسیده است.

به آدمکشی پایان دهید! مردم صلح می خواهند!

بقیه از صفحه ۲

سران ج ۱۰۰ در این فاصله بارها و بارها وعده فتح کربلا و بغداد و سرنگونی صدام را داده اند، اما در عمل با تحمیل این جنگ فرسایشی خانمانسوز به مردم ایران، حتی دست آورد هایی را که زحمتکشان ایران در نخستین مرحله جنگ کسب کرده بودند برسر داد نهادند.

ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق به امپریالیسم آمریکا و حکومت اسرائیل فرصت داد که لبنان را اشغال کند و آزادی خواهان لبنانی و فلسطینی را به خون بکشد. صف ارتجاع منطقه را تقویت کند و حضور نظامی خویش را به عنوان حامی امنیت آبراه های بین المللی در مرزهای دریایی میهن ما تثبیت کند.

حکومت متزلزل صدام، در نتیجه ادامه جنگ موفق شد موقعیت خود را تثبیت کند و سرکوب نیرو های انقلابی عراق را گسترش دهد.

امروز مردم ایران روزانه ۳۲۲ میلیون تومان - هر خانوار پنج نفری ماهانه هزار و دویست تومان از دسترنج ناچیز خویش را - برای تأمین مخارج جنگ می پردازند. خسارات اقتصادی جنگ از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار گذشته است. برای جبران این خسارات باید نیمی از منابع زیر زمینی نفت ایران به فروش برسد. بی گمان ادامه جنگ، بازمانده این ثروت ملی را نیز به باد خواهد داد. بیش از ۱۵۰ هزار نفر از مردم ما در این جنگ کشته شده اند و نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر زخمی و معلول شده اند. میلیون ها نفر از مردم ما در نتیجه جنگ بی خانمان و آواره شده اند. در هفته های اخیر با مهاجرت دسته جمعی مردم از شهرهایی که در خطر بیماریان هستند، صدها هزار نفر دیگر بر جمعیت آوارگان جنگ افزوده شده است. با وجود ممانعت نهاد های سرکوبگر رژیم این مهاجرت جمعی هم چنان ادامه دارد.

اما این هنوز همه واقعیت نیست. دردناک - تر از همه این که بزرگترین قربانی ادامه توسعه طلبانه این جنگ خانمانسوز انقلاب شکوهمند مردم ایران بوده است.

سران ج ۱۰۰ به بهانه جنگ از انجام تحولات بنیادی سرپیچیدند و میدان را برای غارتگری بی بند و بار بازاریان و زمین داران گشودند. به بهانه پشتیبانی اقتصادی بازاریان از جنگ برای آنان اعتبار سیاسی تراشیدند، و دفاع از محترکان و گران فروشان را به سیاست رسمی دولت تبدیل کردند.

ماه ها است که رهبران ج ۱۰۰ تورم و گرانی سرسام آور، کاهش تولید، افزایش بی رویه واردات کالا از کشورهای امپریالیستی، بیکاری، مهاجرت گروهی روستائیان به شهرها، کمبود مایحتاج روزمره مردم و سایر مظاهر بحران عمیق اجتماعی -

اقتصادی را که ناشی از اتخاذ راه سرمایه داری و احیای نظام سرمایه داری وابسته است، به مشکلات ناشی از جنگ نسبت می دهند. آنان به بهانه جنگ از افزایش دستمزد کارگران و حقوق نارزدان و افزایش بهای محصولات کشاورزی طفره می روند. و تأمین مسکن، پزشک، دارو، مدرسه و نان و برق و آب برای مردم محروم را به پایسان نامعلوم جنگ موکل می کنند.

احیای وابستگی تسلیحاتی ارتش ایران به انحصارات اسلحه سازی امپریالیستی، در ادامه روند نوسازی وابستگی اقتصادی ایران به اردوگاه امپریالیسم، یکی دیگر از نتایج شوم ادامه جنگ ایران و عراق است. سالیانه میلیارد ها دلار اسلحه از آمریکا، انگلستان، آلمان فاسد رال، ایتالیا، اسپانیا، کره جنوبی و حتی اسرائیل به ج ۱۰۰ سرانبر می شود و در میدان های جنگ به آهن پاره های سوخته تبدیل می شود. مسئولان ج ۱۰۰ که اینک تنها راه پیروزی در جنگ با عراق را جلب حمایت هرچه بیشتر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می بینند، هر هفته گام های تازه ای در همسوئی و همکاری با سیاست های امپریالیستی، از جمله برای جلب رضایت دول امپریالیستی به فروش سلاح های استراتژیک به ج ۱۰۰، که به گفته آقای هاشمی رفسنجانی "از زبان شب هم برای ملت ما واجب تر است." بر می دارند.

چنانکه همه این واقعیات انکار ناپذیر شهادت می دهند، جنگ فرسایشی و توسعه طلبانه ایران و عراق، به مهم ترین دستاویز برای مسخ انقلاب شکوهمند مردم ایران تبدیل شده است.

خواست صلح، باخواست نجات انقلاب پیوند می خورد

همه شواهد حاکی از آنست که حاکمیت ج ۱۰۰ سران دارد که این سیاست جنون آمیز و ویرانگر را همچنان ادامه دهد. در ماه های اخیر که با روی گردانی بیش از پیش مردم از جنگ، کمبود نیروی انسانی در جبهه ها محسوس بوده است، و تبلیغات عوام فریبانه رهبران ج ۱۰۰ کارایی خود را از دست داده است. فشار سازمان یاقتبه برای جمع آوری نیرو و گسیل اجباری به جبهه ها افزایش یافته است. مقامات انتظامی دستور العمل های ویژه ای برای شکار مشمولین فراری صادر می کنند. معادوین عراقی و آوارگان افغانی با فشار و اجبار به جبهه ها فرستاده می شوند. دوران خدمت نظام وظیفه به ۲/۵ سال افزایش یافته است، و طبق مقررات جدید مسئولین می توانند سربازان منقضی خدمت را تا ۸ سال - به عنوان خدمت احتیاط - در ارتش نگاه دارند.

تحول تازه در جنگ، که طی آن سربازان و رزمندگان شرافتمند ایران به آدم کشی سازمان یافته و کشتار بیهوده و ناجوانمردانه غیر نظامیان بی گناه عراقی مجبور می شوند، بیژاری و تنفر مردم را از این جنگ خانمانسوز، بیش از پیش افزایش می دهند.

در چنین شرایطی، در حالی که حاکمیت ج ۱۰۰ به انتخاب خود، سرنوشت خویش را بسا سرنوشت این جنگ بی سرانجام گره می زند، و بقای خود را در ادامه و تشدید هر چه بیشتر این فاجعه ملی ممکن می داند، مردم ما بیش از پیش به تجربه عینی به این نتیجه می رسند که پایان دادن به این جنگ خانمانسوز نیز تنها از عهده حکومتی بر می آید که نماینده راستین ائتلاف همه نیروهای مترقی و ضدامپریالیست باشد. حکومتی که راه را برای به پایان بردن دیگبر و وظایف ناتمام انقلاب شکوهمند بهمن نیز خواهد گشود.

معرفی کتاب

بقیه از صفحه ۷

جنبش تأمین می شود.

در بخش دوم کتاب که خود شامل چندین فصل است سؤال، د مکرسی انقلابی معاصر در کشور های نواستقلال که به نظر نویسنده "یکسی از مسائل مهم در تئوری و پراکتیک جنبش جهانی کمونیستی است" مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش از کتاب تجارب به دست آمد از فعالیت و عملکرد شخصیت های سیاسی و دمکرات های انقلابی " بسیاری از کشورهای نواستقلال که در آنها مبارزه به خاطر پیشرفت اجتماعی به صورت حاد و بروز کرده است جمع بندی شده است. جدا از جنبه آموزشی این بخش از کتاب، جنبه اطلاعاتی آن نیز بر گیرائی آن افزوده است.

در صفحات محدود "راه توده" امکان باز تاباندن بخش های بیشتری از اندیشه ها و تجارب انقلاب های رهایی بخش ملی در کشور های رشد یابنده نواستقلال وجود ندارد. مطالعه دقیق این کتاب که بر پایه صدها سند، کتاب، مقاله و غیره تألیف شده است و روند انقلاب های رهایی بخش ملی را در مرحله مبارزه به خاطر تحولات اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه مارکسیستی بررسی می کند به خوانندگان "راه توده" در درک هر چه بیشتر و بهتر تحولات اخیر در میهن ما، و سایه روشن هایی که همواره سیبر انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی کشور ما را همراهی می کرد یاری خواهد رساند.

ما به خوانندگان خود توصیه می کنیم این اثر ارزشمند را به دقت مطالعه کنند.

مخارج چاپ مجدد این اثر از زنده، توسط یک رفیق نو ده ای پرداخت شد.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

درباره قصاص، حدود و تعزیرات!

امروزه مطبوعات میهن زجر دیده و مصیبت کشیده مان را که می خوانیم، بی اختیار از دیدگان مان اشک جاری می شود، از چشمی اشک اندوه و حسرت و از چشم دیگر اشک تسخیر و حسرت! از سوی این همه قساوت و شقاوت، و از سوی دیگر این انداز به پلاحت و حماقت، همراه با جسارت و وقاحت.

در بسیاری از نقاط دنیا ی امروز مسلمانان متأسفانه هنوز درنده خیزی و وحشیگری بی چشم می خورند، اما هیچ جا را نمی توانست سراغ بگیرد که در آن، مانند میهن نگون بخت ما، وحشیگری و قساوت به صورت قانون رسمی درآمده و با افتخار اعلام شده باشد تازه ترین نمونه آن:

" جزئیات تازه ای از قوانین قصاص، تعزیر و حدود اعلام شد. قاضی با وجود شرط در سارق می تواند حکم به قطع عضو بدست دهد. (اطلاعات ۱۴ دی ماه ۱۳۶۲) "

راندندهای که بدون گواهی نامه راندندگی کند، ۷۴ ضربه شلاق می خورد. تازه به این قانون افتخار هم می کنند و آن را قانون خوبی هم می دانند، چون میان فقیر و غنی تبعیض قائل نشده است. پولدار و بی پول هر دو شلاق می خورند!

" زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند " ۷۴ ضربه شلاق می خورند. زجر و شکنجه این وحشیگری به کتاف زنی که چنین خواری و خفتی را تحمل می کند، چگونه می تواند عضو سالم و سر بلند اجتماع زنی خوب و مادری شایسته باشد؟ می گویند این وحشیگری دوران جاهلیت با علوم نوین هم تطبیق می کند. چرا که " علمای " عالیقدر ثابت کرده اند که از موی زنان اشعاعی ساطع می شود که سوسه های شیطان را در دل مردان بیدار می کند! موی که چنین باشد، تکلیف چشم و ابرو و لب و دندان - و به گفته شاعران: چاه زرخدان! - معلوم است. صدای زنان که خود موله دیگری است.

پس باید روسری را به دقت سر کرد، بعد مقنعه را، مثل زره گرد آفرید، به سر کشید و دهان را هم پوشاند، بعد چادر مشکی ضخیم - " برای بر باد استندارد مسجد جواد در مراسم ترحیم - را هم روی سر انداخت و آن زیر، به گفته جناب رئیس جمهور، نفس راحتی کشید و آزادی اسلامی را احساس کرد!

سپس می رسیم به جرایم تصادفات و تومبیل و جرح و قتل غیر عمد. مرتکب باید دیه بدهد. " مقدار دیه قتل نفس هم عبارت است از ۱۰۰ شتر سالم بدون عیب یا ۲۰۰ رأس گاو و سالم بدون عیب یا ۱۰۰۰ رأس گوسفند سالم بدون عیب یا ۲۰۰ دست لباس سالم از حوله های معروف به یمن یا یک هزار دینار مسکوک یا ده هزار درهم مسکوک. اینها را من نمی گویم، حجت الاسلام

پذیرایی رئیس دادگاه کیفری می گوید. باز اگر می گفتند راننده متخلف باید به کسی که با او تصادف کرده، یک پیکان سالم بدون عیب بدهد، یک حرفی. اما ۱۰۰ شتر و ۲۰۰ گاو و ۱۰۰۰ گوسفند زکجا پیدا رود؟ اگر این همه شتر و گاو و گوسفند، آن هم سالم و بی عیب در ایران وجود داشت که ما به خود کفایی داریم پرو می رسیده بودیم.

ضرب و جرح عمدی، اگر شخص باشد، کار راحت است. مثلاً یکی دست دیگری را از مچ یا آرنج قطع کرده. ضروب جرح دارد دست ضارب را از مچ یا آرنج ببرد. حال فرض کنید که من، زبا نم لال، با چاقو شکم شما را به طول ۲۰ سانتی متر و به عمق ۲ سانتی متر و هفت میلی متر پاره کرده ام. چاقورا می دهند دست شما. اما شما که جراح متخصص نیستید. امکان دارد شکم مرا به جای دو سانتی متر و هفت میلی متر و دو سانتی متر و هشت میلی متر پاره کنید. اینجاست که عدالت

اسلامی جریحه دار می شود و به فریاد در می آید! آقایان از کشتن کودکان خردسال و زنان آبستن ایایی ندارند، ما این یک میلی متر را تحمل نمی کنیم! پس چاره چیست؟ باردیگر سروکله شتر و گاو و گوسفند پیدا می شود.

به شما اطمینان می دهم که هرگز چاقو کشی و آدم کشی نکنم. نه چون کار بیدی است یا از آن وحشت دارم. وحشتم از این است که صد شتر و دو بیست گاو و هزار گوسفند سالم بدون عیب زکجا پیدا کنم؟ گیرم که پیدا کردم اما طرف پنهان گیر بود و گفت که مثلاً یکی از شترها کوها نشکج است یا یکی از گاو ها شاخ راستش کوتاه تر از شاخ چپش است. از گاو و گوسفند که بگذریم. دو بیست دست لباس سالم از حوله های معروف به یمن از کجا پیدا کنم؟

اگر به فروشگای بی پروم و سراغ حوله های معروف به یمن را بگیرم یا به بانگ پرورم و گویم آقا، لطفاً این اسکناس ها را از من بگیر و به جایش دینار مسکوک و درهم مسکوک بده، بلافاصله تلخن می زند به بیمارستان روانی که این بابا عقلت پارسنگ بر می دارد، زود بیا دید ببردش!

و حالای رسمیم به حدس ارق که: " هیارت است از: ۱- در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق. ۲- در مرتبه دوم قطع قسمتی از قدم پای چپ سارق. ۳- در مرتبه سوم سارق محکوم به حبس ابد می شود و در مرتبه چهارم اگر چه در زندان دزدی کند، حدش اعدام است. آخر این بدبخت بی دست و پا، آن هم

در زندان، چطور می تواند دزدی کند؟! ما درج ۱۰ همه راه ها به میدان اعدام ختم می شود.

روزگاری می گفتند که در عربستان سعودی مجازات قطع دست سارق را به شیوه مدرن اجرا می کنند. به این ترتیب که بیمار را به اتاق عمل می برند و بی حسوش می کنند و جراح دستش را می برد. من شخصاً با این به کارگر فتن دانش مدرن پزشکی در خدمت یک پربریت جاهل مخالفم کار پزشکان پیوند زدن اعضای قطع شده است، نه قطع اعضای سالم. خدا را شکر که زعمای ج ۱۰ به شیوه های مدرن الحقاتی ندارند و همان شیوه کهن قطع دست با یک ضربه تبر و سپس فروردن آن در روضن داغ برای جلوگیری از خونریزی را ترجیح می دهند. به این طریق، در این کار به عنوان یک " اثر هنری قرون وسطایی " هماهنگی قالب و محتوا، کاملاً رعایت شده است.

x ظاهراً باید " حله " باشد، یعنی: پارچه ابریشمی.

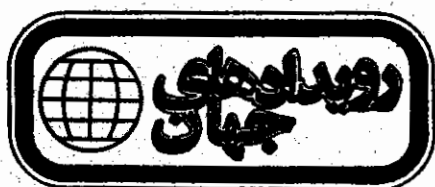
مردم مترقی جهان: صدور احکام علیه افسران

بقیه از صفحه ۵

خلق ایران (اکثریت) در شیناگو. هواداران حزب توده ایران در شیکاگو. حزب سوسیالیست پورتوریکو.

در این روز، مراسمی نیز به همین مناسبت در شهر نیویورک برگزار گردید. در این جلسه در باره فشار و تضییقات وارده به حزب توده ایران و نیز تشکیل محاکمات در بسته نظماً - تهرانتوضیحات مبسوطی ارائه شد. سخنرانان اصلی جلسه، جیمز جکسون، دبیر کمیته مرکزی و عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست آمریکا، فیروز احمد مبارز پاکستانی، عضو " تشکل دمکراتیک پاکستان " و استاد جامعه شناسی بودند که طی سخنان خود، ضمن ابراز تأسفاز رویدادهای اخیر ایران، فشار و اختناق انجام گسیخته در مورد نیروهای مترقی پیله ویژه اعضای حزب توده ایران، وظیفه خاصی را که دمکراتهای جهان در رابطه با دفاع از مبارزین در بند بر عهده دارند، خاطر نشان ساختند و آزادی آنان را خواستار گردیدند. نمایندگان حزب کمونیست جمهوری دمیونیکن - شاخه آمریکا - کمیته گویان آزاد، هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و سازمان جوانان دمکرات فلسطین نیز پیامهایی در این رابطه قرائت کردند.

آنگاه شرکت کنندگان در مراسم قطعنامه ای در محکومیت اعمال وحشیانه ج ۱۰ در قبسال مبارزین دگر اندیش و خصوصاً اعضای حزب توده ایران، صادر کردند و جلسه با شعارهایی همبستگی با حزب توده ایران به پایان رسید.



وضع در لبنان حادث شده است

لبنان روزهای دشواری را از سر می گذارند . در بیروت زد و خورد میان ارتش و فلائزست ها از يك سو و نیروهای میهن دوست لبنانی و فلسطینی از سوی دیگر ادامه دارد .

شفیق وزان ، نخست وزیر لبنان در پی اوج گیری زد و خورد ها استعفا داد . کوشش برای تشکیل دولت جدید به نتیجه نرسیده است . ولید جنبلاط و رهبر سازمان امل خواستار برکناری امین جمایل ، رئیس جمهور لبنان شده اند . آنان استعفای جمایل را شرط برقراری صلح و آرامش در لبنان می دانند . نیروهای ملی و میهنی لبنان که بخش های اساسی غرب بیروت را تحت کنترل خود دارند ، تشکیل يك دولت وحدت ملی را خواستار شده اند .

رشید کرامی ، نخست وزیر پیشین لبنان گفته است :

"گسترش کثونی بحران سیاسی و نظامی لبنان ، قبل از هر چیز ناشی از فشار فرزاننده آمریکا و اسرائیل است ."

وی می افزاید :
" ما خواستار حل سیاسی مسئله لبنان و گفتگو بین تمام نیروهای ملی هستیم و تحکیمات آمریکا و اسرائیل را قویا محکوم می کنیم خواهیم به ما حق داده شود خود ، سرنوشت خویش را تعیین کنیم "

اوج بحران سیاسی در لبنان که پایه های رژیم فلائزست ها را لرزان تر ساخته و باعث تقویت نیروهای مردمی و میهنی لبنان را سبب شده است ، نشان شکست کامل نقشه آمریکایی حل و فصل بحران و موافقتنامه ۱۷ ماهه سال ۱۹۸۳ است که آمریکا و اسرائیل به لبنان تحمیل کرده اند .

آمریکا در این بین ، تنگدازان دریائی خود را که از ناحیه فرودگاه بیروت مستقر بودند ، به ناوهای ناوگان ششم آمریکا که در سواحل بیروت مستقرند ، انتقال داده است . ولید جنبلاط ، پیرامون این اقدام آمریکا گفت :

" این اقدام خبیله ای بیش نیست ، منظور از این حيله سرپوش گذاشتن به توسعه ابعاد جنگ اعلان نشده علیه مردم لبنان است ."

بنگلادش به ایالات متحده آمریکا پایگاه نظامی می دهد

اخیرا فاش شد که ژنرال ارشاد ، فرمانبروای نظامی و رئیس جمهور کود تاجی و خنود خواننده بنگلادش ، به هنگام سفر چندی پیش خویش به واشنگتن ، موافقت کرده است پنتاگون يك پایگاه نظامی دائمی در جزیره " سنت مارش " ایجاد کند و ناوگان هفتم آمریکا از بندر " چیتا گنگ " استفاده نماید .

انتشار این خبر ، نگرانی زیادی در هند وستان و دیگر کشورهای جنوب آسیا ایجاد کرده است . این گونه " خیالات " ژنرال ارشاد ، دوست صمیمی حاکمیت ج ۱۰۱۰ ، با منافع ملی و همچنین عضویت بنگلادش در جنبش کشورهای غیر متعهد مغایرت کامل دارد .

قبل از همه دولت هند وستان ، همسایسه دیوار به دیوار بنگلادش نمی تواند نسبت به تحقق این نقشه های خطرناک بی تفاوت بماند . یکی از اعضای برجسته وزارت دفاع هند وستان طوسی صاحب های در کلکته ، تأکید کرد قرارداد ن پایگاه نظامی در اختیار ایالات متحده توسط بنگلادش صلح و امنیت منطقه را تهدید می کند و مانع جدی بر سر راه تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است .

تاریخچه دخالت های فرانسه در چاد

از استقلال کشور چاد در سال ۱۹۶۰ تا به حال پانزده سال است که امپریالیسم فرانسه در امور داخلی این کشور مداخله می کند . در سال ۱۹۶۸ ، چتر بازان فرانسوی برای سرکوب قیام در منطقه " تیستی " وارد چاد شدند . این نخستین مداخله منجر به تحمیل قرارداد " دفاع مشترک " به مستعمره سابق فرانسه گردید .

در آغاز سال ۱۹۶۹ که قیام گسترش پیدا کرد ، تعداد سربازان فرانسوی به ۲۵۰۰ تن افزایش یافت . به علاوه هزار سرباز از لژیون خارجی نیز در پیکار علیه جبهه آزادی بخش چاد شرکت داشتند . نخستین مرحله مداخله به طور رسمی در اول سپتامبر ۱۹۷۲ پایان یافت ولی تخلیه سربازان تا سال ۱۹۷۵ ادامه داشت .

در ژوئن سال ۱۹۷۷ سربازان فرانسوی از نو وارد چاد شدند . در مدتی کمتر از یکسال ، تعداد آنان به سطح مداخله قبلی رسید . اشغال مجدد چاد در سال ۱۹۸۰ پایان یافت . مرحله کنونی مداخله نظامی در چاد که آنرا عملیات " مانتا " نامگذاری کرده اند در واقع باید " مانتا - ۳ " نامیده شود .

تاریخچه دخالت های فرانسه در چاد ، به هر بهانه ای که انجام گرفته باشد ، يك مسئله روشن می کند : چاد برای فرانسه هم از نظر اقتصادی اهمیت دارد و هم به خاطر نفوذ سیاسی و در کشورهای استوایی آفریقا و حضور نظامی در آن کشورها از این رو فرانسه حاضر است در چاد از هر رژیمی که منافع استراتژیکی اش را محافظت کند پشتیبانی نماید .

قوطنه سرمایه داران با هوشیاری کارگران شکست خورد

توطئه بایکوت اقتصادی که از سوی سرمایه داران بولیوی چیده شده بود با مقاومت کارگران به شکست انجامید . سرمایه داران بولیوی بسا اجرای این توطئه بر آن بودند که دولت قانونی این کشور را تضعیف کنند و سپس مواز و راست گون سازند . سخنگویان اتحادیه های کارگری بولیوی اعلام کردند که ارتجاع کوشش داشت با خواباندن ۴۸

ساعت تولید ، کارگران را به اشغال کارخانه ه و ادار سازند و آنها را به انجام اقدامات تشنج آمیز ، تحریک کند . آنان سعی داشتند با اینگونه اقدامات ، نظامیان را به انجام کودتا علیه دولت قانونی کشور ترغیب کنند . این توطئه هوشیاری زحمتکشان بولیوی با شکست مواجه شد

واقعیات نگرانی آور

در چهلمین نشست کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق بشر که در ژنو جریبان دار گفته شد :

" در کره زمین ، هر روز چهل هزار کودک آگرسنگی می میرند ، و در کشورهای جهان هرسال ۸۰۰ میلیارد دلار برای هزینه های تسلیحات صرف می شود ."

پشت این دو رقم ، نگرانی عمیق جامعه بشری در مورد مسائل حاد نهفته است .

به هنگام گشایش جلسات ، الارا اتو ، نماینده اوگاندا " و رئیس دهرای کمیسیون به طوم فصل پیرامون وضع فلاکت بار اقتصادی و اجتماع در بسیاری از کشورهای جهان صحبت کرد و گفت " زندگی برای میلیونها انسانی که در کره زمین می زند ، به يك مبارزه غیر قابل تحمل یا منظر حفظ حیات خود بدل شده است . گرسنگی ، بیماری و فقر ، مسائل عده دنیای معاصر را تشکیل می دهند که تنها منحصر به کشورهای در حال رشد نیست بلکه کشورهای رشد یافته سرمایه داری را هم در بر می گیرد ."

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در دارمشتات (آلمان فدرال)
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

تذکر
هزینه چاپ يك شماره " راه توده " از جانب رفقای دارمشتات مدتها پیش تأمین شده بود .

RAHE TUDEH
No. 80
Friday, 17. Feb 84

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
	Fr.	U.S.A.	50
	Fr.	Sch.	Sweden
			3
			Skr.